



کرونا در افغانستان؛

شناسایی ۱۲۷ مریض جدید و فوت ۱۳ نفر در شبانه‌روز گذشته

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه می‌گوید که در بیست و چهار ساعت گذشته ۲۲۴۷ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را تست کرده است که...

صفحه ۲

فرهنگ ناترسی از قانون و پیامدهای منفی آن بر صلابت حکومت



صفحه ۴

چشم‌انداز زنانه از صلح

جنسیت ضامن سلامت و پایداری صلح

صفحه ۷

یادداشت‌روز

ناکامی سیاست دل‌ربایی

چند روز پیش فیلمی دیدم از جنگ امریکایی‌ها با طالبان. در آن فیلم فرمانده یکی از واحدهای پیاده با سربازان خود سخن می‌گوید و تأکید فراوان می‌کند که برای پیروزی بر طالبان باید به مردم محل و نگرانی‌ها و راه و رسم‌شان احترام گذاشت. او از تسخیر قلب‌ها و تغییر مغزها حرف می‌زند. در نظر او هر حرکت و رفتاری که مردم را از نیروهای امریکایی دور و بیگانه کند، مردود است.

این سخنان به‌صورت کلی غلط نیستند. در مبارزه با گروه‌های تروریستی، به‌راستی هم همکاری و همدلی مردم در شهرها و روستاها اهمیت بسیار دارد. نمی‌توان انتظار داشت که بمب و گلوله همه چیز را حل کنند. اما وقتی آن سخنان فرمانده امریکایی را در کنار دیگر اجزای جنگ ضد تروریسم می‌گذاریم، روشن می‌شود که چرا طالبان شکست نخوردند و چرا امروز در هر مذاکره‌ای این طالبان‌اند که از موضع قدرت حرف می‌زنند. در همان ایامی که امریکایی‌ها سعی می‌کردند از قدرت نرم خود برای تسخیر قلوب افغان‌ها کار بگیرند، حامد کرزی، رییس‌جمهور آن وقت افغانستان...

۲

مجلس نمایندگان:

کمیسیون تفتیش مصرف بودجه‌ی ۹۱ پالیسی را تعقیب کند



۲

سه سرباز ارتش در حمله‌ی موتربمب طالبان در غزنی کشته شدند

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت غزنی می‌گویند که در نتیجه‌ی انفجار یک عراده موتربمب‌گذاری‌شده‌ی طالبان در نزدیکی یک پایگاه نیروهای ارتش در مربوطات ولسوالی اندر این ولایت، سه سرباز امنیتی کشته و دو سرباز دیگر زخمی شده‌اند. واحدالله جمعه‌زاده، سخن‌گوی والی غزنی گفت که | صفحه ۲

نخستین محموله‌ی واکسین کرونا تا هفت ماه دیگر وارد افغانستان می‌شود

اطلاعات روز: مسئولان در وزارت صحت عامه می‌گویند که تا هفت یا هشت ماه آینده، نخستین محموله‌ی واکسین کرونا داخل کشور می‌شود. اکمل سمسور، سخن‌گوی وزارت صحت عامه که دیروز (چهارشنبه، ۱۹ قوس) در یک نشست خبری در کابل صحبت می‌کرد، گفت که | صفحه ۲

تعلیل

نظام سیاسی پارلمانی، ساختار مناسب برای افغانستان پس‌اصلاح

گفت‌وگوهای میان افغانی در قطر وارد مرحله جدیدی شده است. طرفین مذاکره در قطر بر سر | صفحه ۴



تعلیل

چرا اسلام‌گرایان سر می‌برند؟

در «نیس» با ضربات چاقو کشت. در همان ماه، دو شبه‌نظامی وابسته به داعش که در انگلستان به دنیا آمده و بزرگ شده بودند، به ایالات متحده آورده شدند تا به دلیل مشارکت‌شان در یک آدم‌ربایی وحشیانه در سوریه، محاکمه شوند. | صفحه ۵

ماه گذشته یک مهاجر چینی ۱۸ ساله یک آموزگار تاریخ به‌نام «ساموئل پتی» را در خیابانی در حومه‌ی پاریس تعقیب کرد، با چاقو زد و سرش را از تن جدا کرد. اندکی بعد، یک مرد تونسی که قرآن با خود حمل می‌کرد، زنی را سر بُرید و دو نفر دیگر را در کلیسایی

گزارش

درس‌هایی از میانجی‌گری در روند صلح سودان جنوبی

جمهوری سودان جنوبی در سال ۲۰۱۳ به‌عنوان جدیدترین ملت جهان در حالی وارد جنگ داخلی شد که فقط دو سال قبلیش یک داستان موفقیت بسیار مشهور بود، زیرا چند نسل جنگ را پشت سر گذاشته و به‌طور مسالمت‌آمیز از سودان اعلام استقلال کرده بود. تقسیم‌شدن بزرگ‌ترین دولت آفریقا به سودان جنوبی این فرصت را داد تا آینده خود را رقم بزند. ولی رهبران سودان جنوبی که فقط ۳۰ ماه از آغاز دولت‌سازی‌شان گذشته بود، مردم خسته از جنگ را به درگیری کشاندند، تعهد به آزادی را شکستاندند و پشتوانه عظیم حسن‌نیت بین‌المللی را از بین بردند.

با آغاز جنگ، بازی‌گران خارجی به سرعت به سمت برگزاری مذاکرات صلح زیر نظر «مرجع بین‌دولتی توسعه»، یکی از سازمان‌های برجسته منطقه‌ای آفریقای شرقی حرکت کردند...

۳

ارائه بهترین خدمات اینترنتی



SALES: +93 728 000 054
SUPPORT: +93 728 000 055



ادامه‌یادداشت‌روز

غضبناک بود که امریکایی‌ها در حملات شبانه و روزانه‌ی خود غیرنظامیان افغان را می‌کشند و به مردم ملکی آسیب می‌رسانند. کرزى صریحا نمی‌گفت که هر حمله‌ای علیه طالبان باید متوقف شود؛ اما از واکنش‌هایش و شرط‌هایی که می‌گذاشت پیدا بود که اساسا هیچ حمله‌ای بر طالبان را –فارغ از آن که غیرنظامیان آسیب ببینند یا نبینند- قبول ندارد.

مخالفت کرزى با عملیات‌های نظامی علیه طالبان نتیجه داد. هم امریکایی‌ها از جنگ موثر با طالبان دست برداشتند و هم اردوی ملی افغانستان موضعی کاملاً «دفاعی» گرفت. این تغییر برای طالبان مجال واسعی فراهم کرد که با قدرت و جسارت بیشتر بجنگند و مناطق بیشتری از افغانستان را زیر کنترل خود بیاورند.

در تمام مدتی که حکومت کرزى، و بعدها حکومت اشرف غنی، تبلیغات می‌کرد که مشکل افغانستان راه حل نظامی ندارد، طالبان با فشار نظامی فزاینده کمر اردوی ملی را شکستند. در تمام دوره‌ای که امریکایی‌ها سیاست تسخیر قلوب و تغییر اذهان را در میان حامیان طالبان دنبال کردند، طالبان تا توانستند مردمان حامی دولت مرکزی را به سختی مجازات کردند. طالبان صدها بزرگ قومی را ترور و اعدام کردند و با سیاست ارباب و زورگویی به مردم مناطق تحت کنترل خود فهماندند که چاره‌ای جز گردن نهادن به خواست تروریستان ندارند.

امروز کاملاً روشن شده است که رویکرد طالبان در برابر امریکایی‌ها و حکومت کابل بسیار کارآمد بوده است. کامیابی‌های طالبان گواه این واقعیت‌اند که در افغانستان سیاست تسخیر قلوب و تغییر اذهان در برابر گروه‌های خشونت‌طلبی چون طالبان کار نمی‌دهد. طالبان اگر امروز در موضع تعیین‌کنندگان اصلی مسیر آینده‌ی افغانستان قرار گرفته‌اند به‌خاطر این است که با خشونت و سرسختی تمام برای احیای امارت اسلامی خود جنگیدند و هرگز بر رویکردهای جذاب اما کم-تأثیر تسخیر قلوب و تغییر اذهان تکیه نکردند. هرچه حکومت کابل بیشتر نرمش نشان داد، طالبان بر شدت خشونت خود افزودند. هرقدر که حکومت دست صلح پیش آورد، طالبان شمشیر خود را بلندتر کشیدند و بر طبل جنگ محکم‌تر کوبیدند. و این‌گونه بود که اردوی ملی و پولیس افغانستان توانایی مقابله با طالبان را از دست داد. طبیعی هم همین بود که چنین شود. طالبان می‌دانستند چه کار باید بکنند؛ اما نگرش طالب‌پرورانه‌ی حکومت (با شعارهای مبهم گاه صلح و گاه جنگ) اردوی ملی را گیج و فلج کرد و از کار انداخت.

امروز که طالبان حکومت را مجبور کرده‌اند سر میز مذاکره حاضر شود، طرف حکومت هیچ حرفی برای گفتن ندارد. علتش هم این است که حکومت در برابر طالبان شکست خورده است. رسم این نیست که طرف شکست‌خورده مسیر مذاکره را ترسیم کند یا خواسته‌های خود را به طرف مقابل بقبولاند. طالبان برای مذاکره به میز مذاکره نیامده‌اند. آنان فقط آمده‌اند ببینند که با هزینه‌ی کمتر می‌توانند قدرت را به دست بگیرند یا نه. همین فردا اگر مذاکره به بن‌بستی غیرقابل حل برسد، طالبان به میدان جنگی که هرگز متوقف نکرده‌اند باز خواهند گشت و حکومت همچنان شعار «مشکل افغانستان راه حل نظامی ندارد» را تکرار خواهد کرد؛ تا وقتی که طالبان از طریق نظامی وضعیت را به نفع خود حل کنند.

اطلاعات روز: میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان به کمیسیون تفتیش مرکزی این مجلس هدایت داد که گزارش تحقیقی روزنامه اطلاعات روز در مورد مصرف بودجه‌ی کُد ۹۱ بابت سال مالی ۱۳۹۸ خورشیدی را به‌گونه‌ی جدی تعقیب کند.

آقای رحمانی این هدایت را در نشست عمومی دیروز (چهارشنبه، ۱۹ قوس) مجلس نمایندگان پس از آن صادر کرد که شماری از نمایندگان از چگونگی مصرف بودجه‌ی کد احتیاطی ۹۱ پالیسی انتقاد کردند.

ناھید فرید، نماینده‌ی مردم هرات در مجلس نمایندگان در نشست عمومی این مجلس گفت که بودجه‌ی کُد احتیاطی ۹۱ پالیسی که پول بیت‌المال است با حکم رهبری حکومت برای تدارک موثرهای زرهی و کرایه‌ی مهمان‌خانه‌ی چند فرد مشخص داده شده است.

خانم فرید همچنان گفت درحالی که روزانه دست‌کم ۱۰۰ نفر در کشور کشته و ۱۰۰ خانواده بی‌سرپرست می‌شوند، جلو استفاده‌ی بی‌رویه از کُد ۹۱ پالیسی باید به شکل قانونمند گرفته شود.

عبدالستار حسینی، حمیدالله حنیف، سیمین بارکزی، بلقیس روشن، حبیب‌الرحمان پدرام و عرفان‌الله عرفان از دیگر نمایندگانی بودند که از چگونگی مصرف بودجه‌ی کد احتیاطی ۹۱ پالیسی انتقاد کردند. عبدالستار حسینی گفت درحالی که حکومت برای تطبیق پروژه‌های عام‌المنفعه بودجه ندارد، اما میلیون‌ها افغانی از کد ۹۱ کشیده می‌شود، چه کسی در این زمینه باید پاسخ بدهد؟

حمیدالله حنیف نیز گفت که مجلس نمایندگان همه ساله

خبرهای داخلی

مجلس نمایندگان:

کمیسیون تفتیش مصرف بودجه‌ی کُد ۹۱ پالیسی را تعقیب کند

این درحالی است که یافته‌های یک گزارش تحقیقی روزنامه اطلاعات روز نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از بودجه‌ی کُد ۹۱ پالیسی –بودجه‌ی ملی سال ۱۳۹۸ هـ‌ش غیراصولی و به اهداف شخصی مصرف شده است.

یافته‌های اطلاعات روز نشان می‌دهد که صدها میلیون افغانی از کد ۹۱ پالیسی به اهداف خریداری و کرایه خانه، موتر زره، آپارتمان، بهای تکت پرواز، هزینه‌ی تداوی افراد، تأمین «معیشت و تسهیلات» خانواده‌ها، مصارف جانبی سفر مقامات و افراد، معاش امتیازی، معاش بست‌های اضافی، خرج دسترخوان، هزینه‌ی مراسم‌های حزبی، کمک‌های نقدی و تشویقی به گروه‌هایی از افراد، مقامات دولتی و اشخاص بیرون از دولت پرداخت شده است.

همچنان یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از بودجه‌ی کد ۹۱ پالیسی در سال مالی ۹۸ به اهداف مبهم و غیرمشخص دیگر که از آن گاهی به‌عنوان «مصارف مستوره» یاد شده است، مصرف شده است. بخشی از بودجه‌ی این کد برای اعمار مساجد، مصارف لویه جرگه‌ی مشورتی صلح، جشن استقلال، مصارف «پراتیفی» ریاست امنیت ملی، مصارف هیأت‌های حل منازعات قومی و دیگر برنامه‌ها به مصرف رسیده است.

این مصارف با دست‌کم ۹۵ حکم رییس اجرائیه و ۱۹۷ حکم رییس‌جمهور در ۲۵ اداره انجام شده و ده‌ها فرد به‌شمول مشاوران رییس‌جمهور، کارمندان دولت، سفیران، شماری از خانواده‌ها و افراد بیرون از دولت به گونه‌ی مستقل یا مشترک، به اهداف مشخص و غیرمشخص از آن مستفید شده‌اند.

نخستین محموله‌ی واکسین کرونا تا هفت ماه دیگر وارد افغانستان می‌شود

سخن‌گوی وزارت صحت عامه از مردم خواست که تا رسیدن واکسین کرونا از ماسک استفاده کنند. به گفته‌ی او، در حال حاضر میزان استفاده از ماسک در میان مردم ۳۳ درصد است و در صورتی که این میزان به ۹۵ درصد افزایش یابد، کنترل ویروس کرونا ممکن خواهد شد.

این درحالی است که تا دیروز چهارشنبه بیش از ۴۸ هزار و ۵۰۰ نفر در افغانستان به کرونا مبتلا شده‌اند که از این میان، بیش از ۳۸ هزار نفر دوباره بهبود یافته و بیش از یک‌هزار و ۹۰۰ نفر دیگر جان داده‌اند.

بودجه‌ی ملی را تصویب و به کُد ۹۱ نیز بودجه می‌دهد، باید از چگونگی مصرف آن نیز نظارت و ارزیابی داشته باشد. او گفت: «حکومت که از یک طرف ادعای عدالت عمری دارد، آیا در عدالت عمری دارید که افراد وابسته به ارگ میلیون‌ها افغانی را به یغما ببرند و یک عده مردم نان نداشته باشند و در این سرمای زمستان لباسی و کفشی نداشته باشند؟»

همین طور، سیمین بارکزی گفت: «این کُد ۹۱ یک سرطان شده و ما هر سال شاهد این هستیم که از کُد ۹۱ که پول بیت‌المال است به جیب یک عده از افرادی می‌روند که هیچ نیازمندی ندارند.»

بلقیس روشن، دیگر نماینده‌ی مجلس نیز با اشاره به گزارش تحقیقی اخیر روزنامه اطلاعات روز گفت که کُد احتیاطی ۹۱ پالیسی اکنون به کُد خیانت ملی تبدیل شده است. او همچنان گفت رسانه‌هایی که دست به افشاگری می‌زنند باید تقدیر شوند.

حبیب‌الرحمان پدرام نیز گفت با این‌که همه ساله تمام مصارف حکومت و در کل دولت افغانستان در بودجه‌ی ملی گنجانیده می‌شود، اما باز هم دیده می‌شود که «افراد حریص» با استفاده از فرصت دست به چپاول بیت‌المال می‌زنند.

عرفان‌الله عرفان نیز هرچند مشخصا در مورد گزارش اطلاعات روز اشاره نکرد، اما گفت که میلیون‌ها افغانی «اختلاس» که در رسانه‌ها درز کرده، باید از سوی مجلس نمایندگان و کمیسیون‌های مربوطه‌ی آن بررسی و پیگیری شود.

نفوس افغانستان است. واکسین کرونا

از سوی ائتلاف بین‌المللی واکسین در شش مرحله تا پایان ۲۰۲۲ میلادی در اختیار افغانستان قرار داده می‌شود.

به گفته‌ی سمسور، نخستین محموله‌ی واکسین کرونا که تا حدود هفت ماه دیگر وارد می‌شود، تنها سه درصد نفوس افغانستان را تحت پوشش قرار می‌دهد.

سخن‌گوی وزارت صحت عامه همچنان گفت که بانک جهانی مرجع دوم تهیه‌ی واکسین کرونا برای افغانستان است. این بانک تا پایان سال ۲۰۲۲ میلادی برای ۲۰ درصد نفوس افغانستان واکسین

اطلاعات روز: مسئولان در وزارت

صحت عامه می‌گویند که تا هفت یا هشت ماه آینده، نخستین محموله‌ی واکسین کرونا داخل کشور می‌شود.

اکمل سمسور، سخن‌گوی وزارت صحت عامه که دیروز (چهارشنبه، ۱۹ قوس) در یک نشست خبری در کابل صحبت می‌کرد، گفت که افغانستان تا پایان سال ۲۰۲۲ میلادی برای ۴۰ درصد نفوس کشور از دو مرجع واکسین کرونا دریافت می‌کند.

آقای سمسور همچنان گفت که ائتلاف بین‌المللی واکسین مرجع نخست تهیه‌ی واکسین کرونا برای ۲۰ درصد

سخن‌گوی والی غزنی همچنان گفت که موتربمب دومی نیز که می‌خواست یک پاسگاه نیروهای امنیتی را در منطقه‌ی «ملا نوح بابا» هدف قرار بدهد، پیش از رسیدن به هدف شناسایی و ضبط شده است.

آقای جمعه‌زاده افزود که منطقه‌ی «ملا نوح بابا» در مسیر شاه‌راه عمومی کابل – قندهار موقعیت دارد. به گفته‌ی او، در انفجار موتر بمب‌گذاری‌شده در این منطقه به غیرنظامیان آسیبی نرسیده است، زیرا محل رویداد از خانه‌های مسکونی دور واقع شده است.

در همین حال، شماری از رسانه‌ها به نقل از منابع‌شان گزارش کرده‌اند که پس از انفجار موتربمب در نزدیکی پایگاه نیروهای ارتش در ولسوالی اندر، مهاجمان به درگیری با نیروهای امنیتی پرداخته‌اند. این منابع همچنان گفته‌اند که درگیری تا حوالی ساعت ۹:۳۰ دقیقه‌ی صبح دیروز ادامه داشته است.

از سوی هم، وزارت دفاع ملی کشور در اعلامیه‌ای گفته است که جنگ‌جویان گروه طالبان دو روز پیش بر یکی از پایگاه‌های ارتش در ولسوالی اندر حمله کردند.

سه سرباز ارتش در حمله‌ی موتربمب طالبان در غزنی کشته شدند

در اعلامیه‌ی این وزارت آمده است که نخست یک انتحارکننده قصد داشت یک موتربمب را بر پایگاه انفجار بدهد، اما از سوی نیروهای امنیتی شناسایی و از بین برده شده است.

به نقل از اعلامیه، جنگ‌جویان گروه طالبان پس از انفجار به درگیری با نیروهای امنیتی پرداختند که در نتیجه‌ی درگیری، تلفات سنگین به این گروه وارد شده است. وزارت دفاع همچنان از دفع حمله‌ی طالبان بر پایگاه ارتش خبر داده و گفته است که در جریان این درگیری، دو سرباز ارتش کشته و سه سرباز دیگر زخمی شده‌اند. گروه طالبان تاکنون در این باره چیزی نگفته است.

ولایت غزنی در جنوب افغانستان موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت نامن جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت تروریستی دارند.

در نهم قوس نیز یک کندک نیروهای ارتش در مربوطات

مرکز غزنی هدف حمله‌ی موتربمب طالبان قرار گرفته بود. در آن حمله دست‌کم ۳۰ نفر کشته و ۲۴ نفر دیگر

زخمی شدند.

کرونا در افغانستان؛ شناسایی ۱۷۷ مریض جدید و فوت ۱۳ نفر در شبانه‌روز گذشته

۱۱۷ مریض کووید۱۹ در کشور بهبود یافته‌اند. ۴۵ نفر در تخار، ۴۲ نفر در میدان‌وردک، ۱۵ نفر در خوست، هفت نفر در کابل، پنج نفر در بلخ و سه نفر در ننگرهار پس از ابتلا به کووید۱۹، بهبود یافته‌اند.

به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۳۸ هزار و ۱۵۰ نفر افزایش یافته است.

رسیده است.

پنج نفر در کابل، سه نفر در ننگرهار، سه نفر در خوست و دو نفر در بلخ به دلیل ابتلا به کووید۱۹ جان باخته‌اند.

شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مریضی کووید۱۹ در افغانستان تا دیروز به یک‌هزار و ۹۲۱ نفر افزایش یافته است.

همچنان، در یک شبانه‌روز گذشته

زابل، ارزگان و سرپل به ثبت رسیده است.

با ثبت این رویدادها، شمار مجموعی مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان از نخستین روز شیوع این ویروس تاکنون به ۴۸ هزار و ۵۴۰ نفر رسیده است.

براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌وچهار ساعت گذشته ۱۳ مورد مرگ ناشی از کرونا در کشور به ثبت

جمهوری سودان جنوبی در سال ۲۰۱۳ به‌عنوان جدیدترین ملت جهان در حالی وارد جنگ داخلی شد که فقط دو سال قبلش یک داستان موفقیت بسیار مشهور بود، زیرا چند نسل جنگ را پشت سر گذاشته و به‌طور مسالمت‌آمیز از سودان اعلام استقلال کرده بود. تقسیم‌شدن بزرگ‌ترین دولت آفریقا به سودان جنوبی این فرصت را داد تا آینده خود را رقم بزند. ولی رهبران سودان جنوبی که فقط ۳۰ ماه از آغاز دولت‌سازی‌شان گذشته بود، مردم خسته از جنگ را به درگیری کشاندند، تعهد به آزادی را شکستاندند و پشتوانه عظیم حسن‌نیت بین‌المللی را از بین بردند.

با آغاز جنگ، بازی‌گران خارجی به سرعت به سمت برگزاری مذاکرات صلح زیر نظر «مرجع بین‌دولتی توسعه»، یکی از سازمان‌های برجسته منطقه‌ای آفریقای شرقی حرکت کردند. به مدت دو سال درحالی‌که کشورهای منطقه و حامیان بین‌المللی در اتیوپی تلاش می‌کردند برای پایان دادن به خشونت و طرح صلح پایدار مذاکره کنند، جنگ سودان جنوبی را ویران کرد، جان‌های بی‌شماری را گرفت، فاصله نژادی را عمیق کرد و بیش از دو میلیون غیرنظامی را هم آواره کرد.

روند صلح سودان جنوبی در دو مرحله شکل گرفت: فاز اول بر توافق قطع جنگ بین دو طرف متخاصم متمرکز بود، درحالی‌که فاز دوم دستور کار اشتراک‌کنندگان را به‌سوی یک توافق سیاسی جامع و اصلاحات ساختاری سمت می‌داد. تحت فشار فزاینده بین‌المللی، شخصیت‌های هر دو قطب جنگ سودان جنوبی - سالوا کی‌یر، رییس‌جمهور و ریچارد ماشار، معاون رییس‌جمهور و رهبر شورشیان - سرانجام در اگست ۲۰۱۵ یک توافق‌نامه جامع صلح امضا کردند. اما این توافق‌نامه یک سال بعد و قبل از آن که اجرایی شود، از هم گسست و باعث جنگ شد.

زاک ویرتین، استاد دانشگاه پرینستون و فرستاده‌ی ویژه ایالات متحده برای سودان و سودان جنوبی در مقاله‌ای زیر عنوان «واقعیت مسموم؛ درس‌های از میانجی‌گری در روند آشفته‌ی صلح سودان جنوبی» که از سوی انستیتوت بین‌المللی صلح به نشر رسیده است، رهبران سودان جنوبی را مسئول اصلی درگیری‌ها، ماهیت آشفته مذاکرات صلح و ویرانی‌های که میلیون‌ها تن در سودان جنوبی متحمل شده‌اند، می‌داند و در عین حال بازی‌گران بین‌المللی در روند صلح به‌ویژه رهبران گروه «مرجع بین‌دولتی توسعه» را نیز مورد انتقاد می‌داند.

زمینه میانجی‌گری

طوری‌که در مقاله آقای ویرتین آمده است، فرایند صلح غالباً امور پیچیده، نامرتب و غیرخطی است. به همین ترتیب، تعداد کمی از تلاش‌های میانجی‌گری اصول مندرج در «راهنمای میانجی‌گری ملل متحد» برای مراقبت موثر را برآورده می‌کند. این راهنما مایل است در مورد طرح و مدیریت میانجی‌گری معلومات بدهد. براساس آموزه‌های آموخته‌شده از سراسر جهان، این اصول منعکس‌کننده محیط ایده‌آل برای میانجی‌گری شخص ثالث است.

این «اصول میانجی‌گری» به‌عنوان معیارهای مفید برای چارچوب هرگونه تلاش میانجی‌گری شخص ثالث باقی می‌ماند و به متخصصان اجازه می‌دهد تا تصمیم‌های گرفته‌شده و مضلالتی را که با آن روبه‌رو می‌شوند، ارزیابی کنند و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای را برای میانجی‌گری انجام دهند. آقای ویرتین قیل از بررسی مذاکرات صلح در سودان جنوبی، ابتدا زمینه میانجی‌گری را ارزیابی می‌کند و با استفاده از راهنمای سازمان ملل، شش اصل میانجی‌گری را مشخص می‌کند که آیا هر یک در روند سودان جنوبی اعمال شده است یا خیر.

تعهد، معماری و انسجام در تلاش‌ها

میانجی‌گری زمانی موفقیت‌آمیزتر است که توسط یک میانجی باسابقه که به‌طور ایده‌آل نماینده یک نهاد واحد باشد، انجام شود.



سالوا کی‌یر، رییس‌جمهور سودان جنوبی (راست) با ریک ماشار معاون اول رییس‌جمهور، عکس: The Conversation

درس‌هایی از میانجی‌گری در روند صلح سودان جنوبی

به خاطر نقش خود به‌عنوان میانجی اصلی در پایان دادن جنگ داخلی سودان، مشهور بود. در نتیجه وی برای جناح‌های درگیر سودان جنوبی و شرکای اصلی دوجانبه کاملاً شناخته شده بود.

انتصاب محمد احمد الدبی به‌عنوان واسطه سوم برای اکثر ناظران تصمیمی گیج‌کننده بود، چون الدبی زمانی به‌عنوان رییس آژانس اطلاعاتی قدرتمند سودان خدمت کرده بود و در تاریک‌ترین دوران جنگ‌های داخلی خارطوم نقش داشت اما در حوزه‌ی عمل دیده شد که الدبی کمترین مشارکت را در بین این سه واسطه دارد. او در درگیری نیز بی‌ضرر بود، هرچند که حضورش از دید ناظران یک آسیب به روند بود.

دوم؛ رضایت

راهنمای سازمان ملل متحد برای میانجی‌گری موثر یادآوری می‌کند: «میانجی‌گری فرایندی داوطلبانه است که به رضایت طرفین درگیری نیاز دارد.» بدون رضایت، بعید است که طرفین با حسن نیت مذاکره کنند یا به روند میانجی‌گری متعهد باشند. رضایت ممکن است مهمترین ماده تشکیل دهنده هرگونه تلاش برای میانجی‌گری باشد. بر عکس کلمبیا که دو طرف درگیر منازعه بعد از نیم قرن دور میز مذاکره نشستند، طرف‌های متخاصم سودان جنوبی برای مذاکره در مورد آتش‌بس تحت فشار زیاد بین‌المللی قرار گرفتند و مجبور شدند چند هفته پس از شروع درگیری‌ها، روی میز بنشینند. هرچند که درگیری به جایی نرسیده بود که دو طرف برای حل و فصل آماده شوند اما هیچ یک از طرفین به کاری جز شکست حریف خود با استفاده از روش نظامی تمایل نداشت و هزینه‌های انسانی هفته‌های اول درگیری که با خشونت وحشیانه و هدف قرار دادن غیرنظامیان همراه بود، بازیگران خارجی را وادار می‌کرد که منتظر موافقت طرفین نمانند. بنابراین وضعیت حاکم نحوه



برعکس کلمبیا که دو طرف درگیر منازعه بعد از نیم قرن دور میز مذاکره نشستند، طرف‌های متخاصم سودان جنوبی برای مذاکره در مورد آتش‌بس تحت فشار زیاد بین‌المللی قرار گرفتند و مجبور شدند چند هفته پس از شروع درگیری‌ها، روی میز بنشینند.

مسفین و لازارو سومببو به مذاکره‌کنندگان دولت کمک می‌کردند تا روند را به نفع خود تحت تأثیر قرار دهند. اگرچه این یک نگرانی نسبتاً کمتر بود، اما با توجه به تاریخ آشفته سودان با سودان جنوبی، سوالات در مورد بی‌طرفی الدبی نیز باقی بود.

چهارم؛ همه‌شمولی

سوال اساسی در هر روند صلح همیشه این است که چه کسی پشت میز مذاکره می‌نشیند و چه کسی نمی‌نشیند. سودان جنوبی نیز از این قاعده مستثنا نبود. بهترین روش‌های میانجی‌گری نشان می‌دهد که روندهای صلح فراگیر به احتمال زیاد ریشه اصلی درگیری را برطرف می‌کند و مشروعیت این روند را افزایش می‌دهد.

مذاکره برای تقسیم قدرت بین مخالفان مسلح ممکن است برای متوقف کردن فوری خشونت کافی باشد، اما تحقق صلح پایدار در سودان جنوبی هم به مشارکت گسترده‌تر در یک فرایند سیاسی به‌شمول تعیین اهداف آن و هم به مالکیت نتایج آن نیاز داشت. با این حساب بود که ایالات متحده برای مرحله دوم مذاکرات چارچوب «چند ذینفع» را پیشنهاد داد.

فرستاده‌های ایالات متحده برای اطمینان از شمولیت سایر احزاب سیاسی، بازداشت‌شدگان سابق، گروه‌های جامعه مدنی، سازمان‌های زنان، کلیساها و بزرگان از نزدیک با سیوم و نمایندگان سودان جنوبی همکاری کردند، اما دولت حاضر به بحث در مورد انتقال قدرت سیاسی نشد. سیوم برای هفته‌های پر از ناامیدی تلاش می‌کرد تا جلب توافق کند اما مذاکره‌کنندگان دولت با دندان و ناخن می‌جنگیدند تا دامنه‌ی روند و فهرست شرکت‌کنندگان را محدود کنند.

طرف ریچارد ماشار بیشتر می‌توانست از یک فرایند فراگیر سود ببرد، زیرا با بلند شدن صداهای بیشتر قدرت دولت محدود می‌شد اما او هیات‌اش نتوانستند این واقعیت را درک کنند، زیرا معتقد بودند که بهتر است کیک را به دو قسمت تقسیم کنند. در نتیجه، هر دو نهایت توطئه کردند تا مشارکت را محدود کنند. بنا میانجی‌ها با وجود حمایت قوی از طرفداران روند صلح، چارچوب چند سهام‌دار را پیش بردند.

طرفداران روند صلح از میانجی‌ها تقاضا کردند که چنین نقض‌های آشکار روند را نادیده نگیرند اما در هر دو مورد، میانجی‌ها تصمیم گرفتند طبق برنامه زمان‌بندی شده، گفت‌وگوها را ادامه دهند. ادامه روند بسیار ناامیدکننده به نظر می‌رسید و میانجی‌ها در یافتن یک نقطه مشترک با دشواری روبه‌رو بودند، زیرا مشاوره گسترده‌تر می‌توانست سبب کندی و ناپایداری فرایند شود.

راهنمای سازمان ملل برای میانجی‌گری موثر تأکید می‌کند که مشارکت نیازی به یک کرسی ندارد و به میانجی‌ها توصیه می‌کند سازوکارهای جای‌گزینی برای گسترش مشارکت ایجاد کنند. دیپلمات‌های آمریکایی به همین منظور مجموعه‌ای از اقداماتی پیشنهادی که ممکن است میانجی‌ها برای گسترش مشارکت استفاده کنند، را نوشتند.

پنجم؛ استراتژی و تعیین تسلسل

استراتژی و تعیین تسلسل عناصر بنیادی هرگونه تلاش برای میانجی‌گری است و می‌تواند یک میانجی را برای هدایت فرایند و همچنین پاسخ‌گویی موثر به چالش‌هایی که از ناگزیری به‌وجود می‌آیند، قرار دهد. استراتژی‌های هر مرحله از یک میانجی‌گری می‌تواند بر اساس شناسایی اهداف، تجزیه و تحلیل جامع درگیری، نقشه برداری از ذینفع‌ها و موقعیت، منافع و قدرت چانه‌زنی شان و قدردانی از در دسترس بودن اهرم فشار ساخته و تنظیم شوند.

روایت‌های درگیری اغلب در بین طرف‌های رقیب متفاوت است اما همزمان با ورود روند صلح سودان جنوبی به مرحله دوم، هیچ توافقی بین ذینفع‌ها در مورد ماهیت و منشأ درگیری یا آنچه برای حل و فصل لازم بود، وجود نداشت و این عدم اجماع وظایف تجزیه و تحلیل درگیری و شناسایی اهداف مناسب برای مذاکرات صلح را دشوارتر می‌کرد.

اجباری کردن حل و فصل و میانجی‌گری بین دو طرف متمایل به جنگ را در زمینه صلح بین‌المللی در دوران مدرن را به وجود آورد. طوری‌که آقای ویرتین می‌نویسد، اگر اعضای «مرجع بین‌دولتی توسعه» و شرکای بین‌المللی آنها منتظر درخواست طرفین برای میانجی‌گری بودند، احتمالاً تا هنوز منتظر می‌ماندند، هیچ پروسه صلحی تحقق نمی‌یافت و با داشتن جنگ‌های عاری از هرگونه محدودیت، میلیون‌ها غیرنظامی در معرض خطر جدی قرار می‌گرفتند.

سوم؛ بی‌طرفی

برای موفقیت هرگونه میانجی‌گری، طرفین باید معتقد باشند که میانجی تعیین شده منصف و متعادل است. ناگفته نماند که هرگونه علاقه مادی به نتیجه مذاکره، اعتبار یک میانجی را به خطر می‌اندازد. متأسفانه، روند صلح سودان جنوبی با میانجی‌گری اعضای مرجع بین‌دولتی توسعه هم با جانب‌داری و هم با منافع مادی کشورهای عضو آن خراب شد.

از منافع دولت‌های منطقه‌ای که روند کار را پیچیده‌تر کرد، دخالت نظامی اوگاندا در سودان جنوبی بسیار مهم بود، چون یووری موسونی، رییس‌جمهور وقت اوگاندا در نخستین روزهای جنگ نیروهای اوگاندا و هواپیمای جنگی را به سودان جنوبی فرستاد و در کنار نیروهای دولتی جنگید و خود را به‌عنوان متحد اصلی جوبا معرفی کرد. ارتش موسونی که نقش مهمی در متوقف کردن حمله مخالفان در جنوری ۲۰۱۴ به پایتخت داشت، به‌عنوان نیروی نجات‌بخش دولت کی‌یر و عامل جلوگیری از ظلم‌های بیشتر در جوبا شناخته شد. منطقه و جامعه جهانی از این اقدام پیش‌گیرانه استقبال کردند اما در عین حال نگران سخنان موسونی و خطرات ناشی از احتمال مشارکت حزبی بیشتر در اوگاندا بودند، زیرا هنگامی که درگیری اولیه به پایان رسید، ارتش اوگاندا نه تنها در سودان جنوبی باقی ماند بلکه حملات هماهنگ هوایی و زمینی را نیز علیه مخالفان انجام داد.

سرانجام توافقنامه آتش‌بس که در جنوری ۲۰۱۴ امضا شد، صریحاً خواستار عقب‌نشینی گروه‌های مسلح و نیروهای متحد دعوت شده از صحنه جنگ شد. این خواست اشاره به ارتش اوگاندا بود، اما موسونی با نادیده گرفتن آن، شرکای «مرجع بین‌دولتی توسعه» و طرفداران روند صلح را ناامید کرد. بعداً فاز دوم شروع شد، یک دیپلمات اوگاندایی دعوت شد تا در کنار میانجی‌ها به بحث و گفت‌وگو بپیوندد اما طرف مخالف حکومت سودان جنوبی از مشارکت وی جلوگیری کردند.

همچنان ادعاهایی وجود داشت که سیوم

نظام سیاسی پارلمانی،

ساختار مناسب برای افغانستان پس‌اصلاح

محمد‌هادی ابراهیمی

گفت‌وگوهای میان افغانی در قطر وارد مرحله جدیدی شده است. طرفین مذاکره در قطر بر سر طرز‌العمل مذاکرات توافق کرده‌اند و حالا قرار است به رایزنی در مورد آجندای مذاکرات بپردازند. در این نوشته تلاش شده است که به گزینه‌های مطلوب برای ساختار سیاسی آینده افغانستان پرداخته شود و ضمن بررسی نظام سیاسی کنونی افغانستان و چالش‌های برآمده از آن، ناکارآمدی این نظام سیاسی برای آینده پس‌اصلاح افغانستان تبیین شده و الگوی مطلوب و مورد نظر نویسنده، توضیح داده می‌شود.

طولانی شدن مرحله اول مذاکرات نشانه‌ای است از طولانی بودن پروسه صلح در افغانستان و این‌که نمی‌توان به زودی شاهد آمدن صلح در افغانستان بود. مرحله اول که تنها بحث بر سر طرز‌العمل و به تعبیری میکانیسم حل منازعه بود، نزدیک به دو ماه طول کشید، مطمئناً که بحث در مورد آتش‌بس، روند ادغام جنگ‌جویان در نیروهای ارتش و جامعه، ساختار سیاسی آینده افغانستان و ایجاد دولت موقت زمانی به مراتب بیشتر از زمان مرحله اول را می‌طلبد، چه بسا که این پروسه برای چند سال طول بکشد.

یکی از محوری‌ترین بحث‌هایی که باید در مورد آن تصمیم اتخاذ شود، نوعیت نظام سیاسی آینده افغانستان است. نظام سیاسی کنونی افغانستان، نظامی ریاستی است و به نظر می‌رسد این نظام نمی‌تواند در آینده افغانستان، قدرت را به شیوه‌ی مطلوبی توزیع و تقسیم کند. مهم‌ترین وظیفه‌ی سیاست، توزیع ارزش‌ها و قدرت

است و اگر نظام سیاسی نتواند ارزش‌ها و از جمله قدرت را به گونه‌ی مورد رضایت همگانی توزیع و تقسیم کند، نتیجه‌ای جز شکست و فروپاشی ندارد. برای وضاحت بیشتر در مورد نظام سیاسی کنونی و نظام سیاسی مطلوب، باید ابتدا به تعریف نظام سیاسی و انواع آن و همین‌طور تبیین نظام سیاسی کنونی افغانستان بپردازیم.

نظام به مجموعه‌ای از عناصر به‌هم‌پیوسته گفته می‌شود طوری که عناصر مربوطه با هم در تعامل و ارتباط باشند، به همین‌سان نظام سیاسی مجموعه‌ای از گروه‌ها، نهادها، احزاب و دیگر عناصر سیاسی که با هم تعامل و ارتباط دارند. نظام سیاسی همان ساختاری است که قدرت را در میان دولت و دیگر نهادهای سیاسی توزیع و تقسیم می‌کند. نظام سیاسی می‌تواند نوعیت کنش و واکنش بازیگران سیاسی را تعیین و چارچوب‌بندی کند.

نظام‌های سیاسی در یک تقسیم‌بندی کلان به سه نوع تقسیم می‌شوند: نظام ریاستی، پارلمانی و نیمه‌ریاستی. مهم‌ترین مشخصه‌ی نظام ریاستی، تفکیک میان قوه‌ی مجریه و مقننه، و تمرکز قدرت در دست رییس‌جمهور است. در چنین نظام‌هایی پارلمان از قدرت اجرایی برخوردار نیست و قدرت اجرایی در قوه‌ی مجریه متمرکز می‌شود. در نظام ریاستی، رییس‌جمهور در رأس دولت است و کابینه را مدیریت می‌کند. در نظام‌های ریاستی، تمرکز قدرت در دست رییس‌جمهور است و حتی کابینه، تا آن حدی صلاحیت دارد که شخص رییس‌جمهور آن را تفویض کند. اما در نظام پارلمانی، قوه‌ی مجریه و

“

وضعیت کنونی دولت افغانستان باید درس عبرتی باشد برای این‌که ساختار کنونی نمی‌تواند قدرت را به شیوه‌ی مطلوبی توزیع کند. اگر فرض کنیم که طالبان وارد قدرت شوند، در این ساختار نمی‌توانند خودشان را بازتعریف کرده و صاحب قدرت شوند.

مقننه تفکیک نمی‌شوند، کابینه از میان اعضای پارلمان انتخاب می‌شود و رهبر حزب اکثریت، نخست‌وزیر کشور می‌شود. در نظام پارلمانی، این نخست‌وزیر و اعضای کابینه‌اند که دارای قدرت اجرایی‌اند. در نظام پارلمانی اعضای کابینه از میان اعضای پارلمان انتخاب می‌شوند، در این نظام هر حزب، به میزان تعداد کرسی‌ای که در پارلمان تصاحب می‌کند، در کابینه از قدرت اجرایی برخوردار است، چه بسا که حزبی با کمترین تعداد کرسی در پارلمان، باز هم به همان تناسب در کابینه و در قدرت اجرایی دارای سهم است. با توجه به این دو نوع از نظام، می‌توان گفت مهم‌ترین تفاوت نظام ریاستی و پارلمانی، در شیوه‌ی تمرکز قدرت است، در نظام ریاستی، تنها شخص رییس‌جمهور دارای قدرت اجرایی است و احزاب و شخصیت‌های بازنده، هیچ قدرتی ندارند. در نظام ریاستی ما شاهد بازی برد-باخت هستیم، اما در نظام پارلمانی، هر حزب به تناسب کرسی‌ای که در پارلمان

تصاحب می‌کند، از قدرت اجرایی برخوردار می‌شود و بازی به‌صورت برد-برد درمی‌آید. و بالاخره در نظام نیمه‌ریاستی قدرت میان رییس‌جمهور و نخست‌وزیر تقسیم می‌شود. در برخی موارد رییس‌جمهور مسئولیت روابط سیاسی خارجی را در به عهده می‌گیرد و نخست‌وزیر امور داخلی را به عهده می‌گیرد و همین‌طور انواع دیگری از تقسیم قدرت میان رییس‌جمهور و نخست‌وزیر وجود دارد.

نظام سیاسی افغانستان نظام ریاستی است. این نظام که در لویه جرگه‌ی سال ۲۰۰۴ تعیین شد، تمام قدرت اجرایی را به دست رییس‌جمهور سپرد. گرچه در همان لویه جرگه نیز کشمکش بر سر نظام سیاسی افغانستان صورت گرفت، اما با لابی‌گری‌های زلمی خلیل‌زاد و همین‌طور با وساطت تکنوکراتان بازگشته از غرب، نظام سیاسی افغانستان به‌عنوان نظام ریاستی تبیین شد. نظام سیاسی افغانستان بیشترین صلاحیت را به رییس‌جمهور داده است. مروری مختصر بر مواد ۵۹ تا ۶۹ قانون اساسی از صلاحیت‌ها و قدرت بی‌حد و مرز

شخص رییس‌جمهور حکایت می‌کند. به تعبیر برخی از منتقدین نظام سیاسی کنونی، شخص رییس‌جمهور همان صلاحیت‌هایی را دارد که شخص پادشاه می‌تواند داشته باشد. تنها تفاوت رییس‌جمهور با یک پادشاه در اسم است، نه در صلاحیت‌های بی‌حد و مرز. البته قابل یادآوری است که نظام سیاسی افغانستان ریاستی محض نیست و چیزی میان ریاستی و پارلمانی است. به‌عنوان نمونه در نظام‌های ریاستی، پارلمان حق استیضاح اعضای کابینه را ندارد، اما در نظام سیاسی افغانستان این حق به پارلمان داده شده است. با وجود همین تفاوت، باز هم نظام سیاسی افغانستان، شباهت بیشتری به نظام ریاستی دارد تا پارلمانی؛ به‌ویژه این‌که در نظام سیاسی افغانستان، صلاحیت‌های رییس‌جمهور بیشتر از صلاحیت‌های رییس‌جمهورهای دیگر کشورهایی است که نظام سیاسی ریاستی دارند.

این نظام مشکلات زیادی دارد. شاید بتوان گفت بیشتر قریب به اتفاق نظریه‌پردازان

فرهنگ ناترسی از قانون

و پیامدهای منفی آن بر صلابت حکومت

عبدالاحد محمدی

چندی قبل کلیپ تصویری‌ای از یک مجرم در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد. این مجرم ادعا می‌کرد که دوازده بار مرتکب جرم شده و هر بار از زندان آزاد شده است. او ادعا می‌کرد به‌دلیل جرم سیزدهم دوباره به زندان افتاده است. حرکات، رفتار و کنش‌های غیرکلامی شخص طوری بود که گویا از زندانی شدن آن طور که باید، پیشمان به‌نظر نمی‌رسد و قضیه زندانی و آزادشدنش را با نوعی فخر فروشی بیان می‌کرد. طی چند سال گذشته چندین کلیپ و عکس از مجرمین زندانی در کشور در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان‌دهنده روند مشابه می‌باشد. مشاهده چنین تصویرها و رفتارهایی از مجرمین آزادشده این برداشت را در اذهان عمومی تقویت می‌کند که اعمال مجازات قانونی متناسب با جرم در کشور به پیمان‌های نیست که انگیختگی تکرار جرم را از مجرمین سلب کند. چنین تصاویری این باور را به‌وجود می‌آورد که نهادهای عدلی و قضایی کارشان را به‌خوبی انجام نمی‌دهند و این به معنای آسیب‌پذیری نظم امنیت جامعه است.

پیامدهای هراس‌ناداشتن از قانون شکنی
هراس‌ناداشتن از پیامدهای قانونی جرم و جنایت از محرک‌های عمده تبعیت‌نکردن از قانون و قانون‌گریزی است. نداشتن بیم و تشویش تبهکاران از دستگاه‌های مجری قانون، تأثیرات منفی بر ثبات، آرامش و امنیت جامعه دارد و باعث می‌شود مجرمین و قانون‌گریزان

با آرامش خاطر برخلاف‌کاری‌شان ادامه دهند. روگردانی و انزجار عمومی نسبت به گفتار و کردار حکومت از پیامدهای اجتماعی این شکل از آسیب اجتماعی است که میل حيله نسبت به قوانین و مقررات را ترویج و زمینه‌ساز آشفتنگی‌ها و درهم‌ریختگی‌های اجتماعی می‌شود. با موجودیت این مشکل، افراد به تکاپو می‌افتند تا برای حل مشکل و پیش‌برد امور مربوط به نهادهای حکومتی به دور زدن قوانین و روش‌های خارج از اصول و مقررات عمومی متوسل شوند. در چنین شرایطی، مجرمین فرصت فعالیت‌های جمعی و سازمان‌یافته به‌دست می‌آورند. موجودیت انواع قانون‌گریزی‌های نرم و سخت در شهرهای کشور به‌خصوص کابل، به این مسأله ارتباط دارد. سرقت، قتل، تجاوز، ضرب و شتم، آزار و اذیت، فساد و رشوه، فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی، تخطی از مقررات ترافیکی و راه‌بندی جاده‌ها، نمونه‌هایی از این نوع مشکلات است.

این در حالی‌ست که حکومت برای کسب وقار و اتوریته‌اش، نیاز دارد تا بیم از قانون‌گریزی و خلاف‌کاری در ذهنیت تمام افراد ایجاد و نهادینه شود و مردم به این درک و محاسبه برسند که قانون‌شکنی و ارتکاب جرم، عواقب جدی در پی خواهد داشت. افراد جامعه این باور برسند که هزینه گرفتاری در چنگ قانون، خیلی بیشتر از مفاد و امتیازاتی است که از آدرس قانون‌شکنی و ارتکاب جرم به‌دست می‌آید. متأسفانه این چالش طی

دو دهه در کشور جدی‌تر شده است. یکی از دلایل عمده‌ی بدتر شدن وضعیت، تجربه عینی افراد از محدودیت‌ها و مجازات قانونی ناکافی مجرمین و آگاهی مردم از این مسأله است.

دادخواهی برای ناترسی از قانون‌گریزی و تبهکاری

در چند سال گذشته کلیپ‌های تصویری و عکس‌های متعدد از وضعیت مجرمین خطرناک که در زندان‌های کشور به‌سر می‌برند به خارج درز کرده است. این اسناد نشان می‌دهد که زندگی مجرمین، آن طوری‌که در قانون پیش‌بینی شده با مشقت همراه نبوده و مجرمین در درون زندان‌ها، می‌توانند محدودیت‌های قانونی را دور بزنند. برخی از این زندانی‌ها از امکانات خوبی چون تلویزیون، غذای مناسب، وسایل ارتباطی - موبایل و اینترنت - برخوردارند. به‌دلیل دسترسی به امکانات ارتباطی بعید نیست که آن‌ها از درون زندان‌ها به اقدامات خرابکارانه‌شان ادامه دهند. شریک‌کردن تجارب عینی مجرمین آزادشده با مردم یکی از عوامل تأثیرگذار در ترس‌زدایی عمومی از گرفتاری در چنگ قانون است. کسانی که زندان را تجربه کرده و بعد از چندی آزاد شده‌اند، برای تعمیم‌دادن این وضعیت به‌صورت غیرمستقیم دادخواهی می‌کنند. اشاعه چنین ادعاها و تجاربی حتا اگر حقیقت هم نداشته باشد، پیامدهای ناگوار اجتماعی

دارد که در نهایت پایه‌های وقار و صلابت و مشروعیت حاکمیت قانون را دچار تزلزل می‌کند. پخش چنین روایت‌هایی به عامه مردم این تفکر را القا می‌کند که جزای تبهکاری، آن‌قدر هم طاقت‌فرسا و متناسب نیست.

تأثیر طولانی مدت مسأله

ترویج رفتارهای مجرمانه در جامعه از پیامدهای درازمدت بروز چنین اسناد و شواهد از درون زندان‌ها می‌باشد. این مشکل باعث می‌شود افرادی که در یک فضای ناسالم زیست می‌کنند و یا عضو گروه‌های اجتماعی منحرف‌اند، انگیزه یابند تا گروه‌های تبهکار شوند. مصداق‌های عینی این مسأله را می‌توان در کنش و واکنش‌های روزمره مردم با نهادها و مأمورین حکومتی که در ارتباط مستقیم با مردم‌اند، مشاهده کرد. به‌طور نمونه، کافی است روزانه یک ساعت



نظاره‌گر تقابل مردم با موظفین ترافیکی در چهارراهی‌های کابل باشیم. در جریان روزمره چندین راننده که اتفاقاً بیشترشان مقصد، با پولیس ترافیک درگیری لفظی و گاهی فیزیکی دارند. جدا از ارتباط این مسأله با فساد و رشوه‌ستانی مسئولان و نهادهای حکومتی، این مشکل نشان‌دهنده ناترسی از پیامدهای قانونی درگیری با مجریان قانون است. افرادی که این اعمال را انجام می‌دهند به احتمال قوی به این باور رسیده‌اند که حتا اگر برحق نباشند، رفتار آن‌ها پیامد جدی‌ای برای‌شان به‌دنبال نخواهد داشت. تدوام این رویه، وضعیتی ایجاد می‌کند که مردم عدم تبعیت از قانون را به تبعیت از آن ترجیح دهد.

برای مقابله با این چالش چه باید کرد؟
عدم اطاعت از قانون و اصرار به قانون‌گریزی به این معنی نیست که قوانین جزایی کشور،

ترجمه

چرا اسلام‌گرایان سر می‌برند؟

برهما چلانی، پروجکت سندیکت

مترجم: جلیل پژواک

ماه گذشته یک مهاجر چینی ۱۸ ساله یک آموزگار تاریخ به نام «ساموئل پتی» را در خیابانی در حومه‌ی پاریس تعقیب کرد، با چاقو زد و سرش را از تن جدا کرد. اندکی بعد، یک مرد تونس‌ی که قرآن با خود حمل می‌کرد، زنی را سر بُرید و دو نفر دیگر را در کلیسایی در «نیس» با ضربات چاقو کشت. در همان ماه، دو شبه‌نظامی وابسته به داعش که در انگلستان به دنیا آمده و بزرگ شده بودند، به ایالات متحده آورده شدند تا به دلیل مشارکت‌شان در یک آدم‌ربایی وحشیانه در سوریه، محاکمه شوند. آن‌ها گروه‌های خود از جمله چند آمریکایی را جلوی دوربین سر بریده بودند.

در جهانی غرق در خشونت، چنین قتل‌هایی به دلیل وحشی‌گری که در آن موج می‌زند، از سایر خشونت‌ها فرق دارد. در حالی که تعداد قربانیان این دست قتل‌ها نسبتاً اندک است، اما تهدیدی که از جانب این شیوه‌ی کشتن متوجه اصول اساسی تمدن مدرن است، نباید دست‌کم گرفته شود.

یونانیان و رومیان باستان گردن‌زدن را به‌عنوان مجازات قانونی برای مجرمین محکوم به اعدام وضع کردند. امروزه، اسلام‌گرایان تندرو معمولاً از گردن‌زدن و سربریدن برای کشتارهای فراقانونی خودشان در کشورهای همچون مصر، هند، فیلیپین و نایجریا، استفاده می‌کنند. در موزامبیک تنها در ماه جاری، ۵۰ نفر از جمله زنان و کودکان، توسط جنگ‌جویان وابسته به داعش به قتل رسیده‌اند. بسیاری از آن‌ها گردن زده یا سر بریده شده‌اند. این وحشی‌گری پیامدهای ماندگار و خطرناکی دارد، مخصوصاً به این دلیل که عاملان این وحشی‌گری‌ها، در اغلب موارد تصاویر اعمال خود را همگانی می‌کنند. سازمان‌های تروریستی از زمان سربریده‌شدن «دانیل پرل»، روزنامه‌نگار وال‌استریت ژورنال در پاکستان، اقدام به همگانی‌کردن و اشتراک‌گذاری ویدیوهای سربریدن‌هاشان در اینترنت کردند. در قضیه پرل، عاملان این قتل عکسی از سر بریده‌شده‌ی وی را در تویتر گذاشتند.

برای اسلام‌گرایان، سربریدن سلاحی قدرت‌مند در جنگ نامتقارن است. سربریدن و صحنه‌ی وحشت‌ناک انجام این کار، هواداران جهادی را در سراسر جهان الهام می‌بخشد و همزمان ترس را در جوامع محلی دامن می‌زند، تا جایی که اسلام‌گرایان به راحتی می‌توانند خواسته‌های خود، از جمله کدهای رفتاری قرون وسطایی خود را بر جوامعی که در آن فعالیت دارند، تحمیل کنند.

جهادگرایان، اقلیت کوچکی از مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند. اما آن‌ها با روشن‌ساختن تمایل خود به رفتارهای غیرانسانی و غیرقابل تصور برای انسان‌های عادی، مطمئن می‌شوند که اکثریت، جرأت ایستادگی و یا سرپیچی از آن‌ها را نکنند. همین ماه یک ستاره کریکت بنگلادشی مجبور شد به دلیل حضور بسیار کوتاهش در یک مراسم هندوها در هند، زیر فشار اسلام‌گرایان عذرخواهی کند. اسلام‌گرایان از طریق سربریدن و ایجاد ترس و وحشت، به تدریج سنت‌های اسلامی لیبرال‌تر و متنوع‌تر را در کشورهای غیرعربی از بین می‌برند. گرچه سربریدن تأثیر درونی خاصی دارد، اما یگانه روش جهادگرایان برای ایجاد ترس و دامن‌زدن به وحشت نیست. اوایل ماه جاری افراد مسلح وابسته به داعش با حمله به دانشگاه کابل دست‌کم ۳۵ نفر را که عمدتاً دانشجو بودند، کشتند و ده‌ها تن دیگر را زخمی کردند. در وین اتریش، یک مهاجم اسلام‌گرا که قبلاً به جرم تلاش برای پیوستن به داعش، زندانی شده بود، در جریان تیراندازی چهار نفر را کشت و ۲۲ تن دیگر را زخمی کرد.

خشونت‌های این‌چنینی اسلام‌گرایان نشانه‌ی آشکار این است که «جنگ علیه تروریسم» جهانی که پس از حملات ۱۱ سپتامبر آغاز شد، رو به ضعف نهاده است. حتی در کشورهای

مسأله باعث بحران می‌شود، دورماندن اقوام دیگر از قدرت باعث بحران‌های متعددی شده است که مهم‌ترین آن بحران توزیع و بحران مشروعیت است. بحران توزیع زمانی به وجود می‌آید که نظام سیاسی نتواند قدرت را میان اعضای جامعه تقسیم کند و بحران مشروعیت زمانی به وجود می‌آید که مردم جامعه، دیگر به دولت باور نداشته باشند و سر تسلیم به آستان دولت پایین نیاورند. به نظر می‌رسد دولت افغانستان با هر دو بحران دست و پنجه نرم می‌کند و این دو بحران، در درازمدت، دولت را با خطر فروپاشی و سقوط مواجه می‌کند.

وضعیت کنونی دولت افغانستان باید درس عبرتی باشد برای این‌که ساختار کنونی نمی‌تواند قدرت را به شیوه‌ی مطلوبی توزیع کند، اگر فرض کنیم که طالبان وارد قدرت شوند، در این ساختار نمی‌توانند خودشان را بازتعریف کرده و صاحب قدرت شوند. در این ساختار همواره یک برنده وجود دارد و چند بازنده. بهتر است نظام افغانستان به سمت نظام غیرمتمرکز پارلمانی برود و قدرت میان گروه‌های مختلف تقسیم شود. می‌توان فرض کرد که رییس‌جمهور با صلاحیت‌هایی مشخص از یک گروه باشد و نخست‌وزیر از گروهی دیگر، همین‌طور هر گروهی به همان اندازه که در پارلمان کرسی دارد، به همان اندازه در قدرت اجرایی هم قدرت داشته باشد. اگر فرض کنیم که مذاکرات صلح به نتیجه‌ی مطلوبی منتج شود، تنها راه حل این است که نظام سیاسی افغانستان به گونه‌ای بازتعریف شود که برای تمام گروه‌ها و جناح‌های مختلف، سهمی از قدرت سیاسی وجود داشته باشد.

لذا نظام سیاسی ریاستی، نمی‌تواند جایگاهی برای گروه‌های دیگر از جمله طالبان بازتعریف کند. با وجود چنین نظامی نمی‌توان به توزیع رضایت‌مندانانه قدرت باورمند بود و حتی اگر توافقی به صورت نمادین صورت بگیرد، باز هم در درازمدت شاهد بحران‌های مختلف در افغانستان و کشمکش میان گروه‌ها خواهیم بود.

بازار رشوه‌ستانی و فساد را گرم‌تر می‌کند. پارتی‌بازی، تبارگرایی چالش دیگر فراروی نهادهای تنفیذ قانون است. برخی افراد فقط به دلیل ارتباطات با یک فرد، گروه و یا سازمان خاص، احساس می‌کنند در مقابل قانون، معافیت قانونی دارند. بنابراین، وقتی مجرم و متخلف به چنگ قانون گرفتار شد، نباید هویت گروهی، تباری و سازمانی روی روند رسیدگی به پرونده قضایی آن‌ها تأثیر بگذارد.

مقطعی‌بودن تلاش‌ها مشکل دیگر است. طی بیست سال گذشته بارها اتفاق افتاده که حکومت در مبارزه با جرایم و اصلاحات امور جمعی در کشور، تلاش‌های موثری را روی دست گرفته، ولی بعد از مدت کوتاهی رد آن را رها کرده است. این مسأله باعث شده مردم طرح‌های دولت در راستای رفع معضلات امنیتی و اجتماعی را دوامدار فهم نکنند. پلان‌های اصلاحی حکومت برای بهبود وضعیت جاده‌های عمومی و کوچه‌ها این تصور را در ذهن بسیاری به بار می‌آورد که این برنامه‌ها فقط چند هفته دوام خواهند داشت. بنابراین، حکومت برنامه‌های اصلاحی‌اش را طوری ترتیب کند که میکانیزم‌های پی‌گیری و نظارت طولانی‌مدت نیز اساس آن قرار گیرد. چون پی‌گیری باعث می‌شود مردم به جدیت کار حکومت باورمند شوند. در این شکی نیست که حکومت فعلی با موانع و چالش‌های جدی دست و پنجه نرم می‌کند، اما در حال حاضر کشور در بدترین شرایط امنیتی نیز قرار دارد. افزایش خشونت توسط طالبان، سلیقه‌ای رفتار کردن مسئولان بلندپایه حکومتی، موجودیت افراد زورگو در ساختار سازمان‌های حکومتی از واقعیت‌های انکارناپذیر جامعه ماست. اما واقعیت این است که مردم نیز توان تشخیص خوب و بد و اراده برای تغییر و غیر آن را درک می‌کنند و دولت‌مردان‌شان را مورد قضاوت و ارزیابی قرار می‌دهند.



توسعه، نظام ریاستی را برای کشورهای در حال توسعه نامطلوب می‌دانند. افغانستان در حال گذار است. افغانستان از وضعیت استبدادی دولت طالبان (اگر بتوان آن را دولت نامید) به سمت دموکراتیک‌شدن قدم برمی‌دارد و مسیر گذار به دموکراسی را طی می‌کند. برای گذار به دموکراسی، نظام ریاستی، نظامی مطلوب نیست. این نظام مشکلات فراوانی را پیش روی افغانستان گذاشته است. جامعه‌ی افغانستان جامعه‌ای چندپارچه است؛ جامعه‌ای که همواره در حال گریز از مرکز است؛ مرکزگریزی یکی از مهم‌ترین مشخصات جامعه‌ی افغانستان است. تمرکز قدرت در چنین جوامعی، نتیجه‌ای جز بحران نداشته و ندارد. همان‌طور که در سال‌های پسین نظام سیاسی افغانستان باعث بحران شده است. این نظام نتوانسته است به خوبی قدرت را میان گروه‌ها و اقوام مختلف تقسیم کند. در نظام سیاسی افغانستان همواره یک فرد برنده می‌شود و افراد دیگر بازنده‌اند و هیچ سهمی از قدرت ندارند (بخوانید یک قوم برنده می‌شود و اقوام دیگر از قدرت هیچ سهمی ندارند). لذا این

مجازات و محدودیت‌های قانونی سفت و سختی را برای مجرمین و قانون‌شکنان پیش‌بینی نکرده است. بلکه مشکل اساسی در جدیت نهادهای مجری قانونی است. طی چند سال گذشته، بعضی نهادها و مقامات حکومتی جدیت از خودشان نشان دادند. اما به دلیل مقطعی‌بودن، تأثیر خاصی روی کاهش مشکل نداشته است. در هفته‌های اخیر آقای صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری، برنامه بهبود وضعیت شهر کابل را طرح و در حال اجرا کردن است. هرچند رویه او با اما و اگرهایی همراه است، اما احساس ترس از قانون‌شکنی و امیدواری به بهبود وضعیت در میان مردم عادی کمابیش ایجاد شده است. تدوام این ابتکار، پیامدهای مثبت به دنبال خواهد داشت. تلاش‌های صورت‌گرفته نتوانسته گفتمان اجتماعی‌ای در کشور را راجع به جدیت حکومت در برخورد با مجرمین و ترس از قانون‌گریزی ایجاد کند و به مردم و خلاف‌کاران این پیام را منتقل کند که تبهکاری و قانون‌گریزی بدون پاسخ نمی‌ماند. ولی باید این واقعیت را در نظر گرفت که کار چند هفته‌ای آن هم برای مقابله با معضلات پیچیده و ریشه‌دار امنیتی-اجتماعی و بهبود وضعیت شهر کابل در این راستا بدون کمی و کاستی نیست. اما تدوام اراده و نظارت بر اجرای دوامدار برنامه‌ها و انسجام فعالیت‌ها، این تلاش‌ها، ظرفیت ایجاد ثبات و آرامش در جامعه را دارد.

ساختارمندسازی مبارزه با قانون‌گریزی جرمه مالی در کنار سایر مکانیزم‌های پیشگیری و مجازات یکی از موثرترین روش‌ها برای مهار قانون‌گریزی و ترویج قانون‌مداری در جامعه است. البته، این روش در صورتی کارساز است که میکانیزم مشخص، شفاف و به‌صورت یک‌پارچه تطبیق شود تا براساس آن جرمه مالی بدون حیفومیل به خزانه دولت ریخته شود. در غیر آن، این روش فقط

غربی، اقدامات معنادار دولت‌ها علیه افراط‌گرایی اسلامی اغلب به دلیل نگرانی از موردتبعیض قرارگرفتن مسلمانان، با چالش مواجه شده است. اما آن‌هایی که فریاد «اسلام‌هراسی» سر می‌دهند، نه‌تنها کمکی به محافظت از مسلمانان جوامع خود نمی‌کنند، بلکه با فراهم‌آوری امکان رشد افراط‌گرایی باعث می‌شوند جوامع مسلمان از امنیت کمتری برخوردار باشند. واقعیت این است که امروز فقط یک کشور در جهان وجود دارد که به‌جای اسلام‌گرایی افراطی، اسلام را سخت سرکوب می‌کند. آن کشور چین است. در چند سال گذشته، بیجینگ بیش از یک میلیون اویغور و اعضای سایر اقلیت‌های مسلمان را در منطقه سین‌کیانگ در غرب چین زندانی کرده است. مقامات چینی به بهانه مبارزه با تروریسم در حال پاک‌کردن روش‌مند هویت اسلامی در مقیاس بزرگ هستند. با این‌وجود جامعه بین‌المللی از جمله کشورهای مسلمان، در برابر اقدامات چین علیه اویغورها عمدتاً سکوت پیشه کرده‌اند. سال گذشته، ماهاتیر بن محمد، نخست‌وزیر سابق مالیزیا، دلیل این سکوت را توضیح داد و گفت به‌خاطر آن که «چین یک کشور بسیار قدرتمند است».

اما برعکس، همین ماهاتیر پس از حمله «نیس» در تویتر خود نوشت: «مسلمانان حق دارند عصبانی شوند و میلیون‌ها فرانسوی را به‌خاطر قتل‌های گذشته بکشند». این تویت آتش‌افروز به دلیل «تکریم خشونت» از تویتر حذف شده است، اما حساب ماهاتیر به حالت تعلیق درنیامده است.

رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه نیز به نوبه‌ی خود خواستار تحریم کالاهای فرانسه شده است، زیرا امانوئل مکرون، رییس‌جمهور فرانسه، پس از قتل ساموئل پتی وعده داد که از سکولاریسم در برابر اسلام رادیکال دفاع می‌کند. با توجه به این، به‌وضوح دیده می‌شود که حمله به دموکراسی [فرانسه] بسیار آسان‌تر از ایستادگی در برابر یک دیکتاتوری ظالم [چین] است. اما هیچ‌یک از این اقدامات باعث امن‌تر شدن جوامع مسلمان نمی‌شود، چه رسد به ریشه‌کن‌شدن تروریسم اسلام‌گرا. برای پایان‌دادن به تروریسم اسلامی، دولت‌ها باید براساس درک

بهتری از دشمن‌شان، رویکرد جدیدی را در پیش بگیرند. افراط‌گرایی اسلامی یک سازمان یا یک ارتش نیست، بلکه یک جنبش ایدئولوژیک است. همان‌طور که حملات اخیر نشان می‌دهد، سازمان‌های تروریستی با داشتن یک دکترین به وضوح خشونت‌بار، نیازی به هماهنگ‌کردن اقدامات‌شان ندارند. به همین دلیل است که کشتن و حذف چهره‌های رده‌بالای داعش یا القاعده، کار چندانی برای جلوگیری از خون‌ریزی نمی‌کند و به همین دلیل رویکرد نظامی به تنهایی، هرگز نمی‌تواند مؤثر باشد.

تلاش‌های ضدتروریسم باید چشمه و منبع تروریسم جهادی را هدف قرار دهد. به عبارت دیگر، تلاش‌های ضدتروریسم باید تئولوژی و هابی نظامی‌گرا را که استفاده از خشونت علیه «کافران» را توجیه و به انجام آن فرمان می‌دهد، هدف قرار دهد. این یعنی، اول‌تر و مهم‌تر از همه «ایدئولوژی شیطنی» — به قول «ترزا می» نخست‌وزیر سابق بریتانیا — جهادگرایان بی‌اعتبار شود. این کار می‌تواند از طریق بی‌اعتبارکردن اصل اساسی این ایدئولوژی که (بدون پشتوانه قرآن) می‌گوید ۷۲ حوری در بهشت در انتظار هر مجاهد و هر شهید است، آغاز شود.

کار دیگر می‌تواند «رام‌کردن» روحانیون و سایر مبلغان جهاد خشونت‌بار باشد. همان‌طور که «لی کوان یو»، رهبر فقید سنگاپور باری توضیح داد، ما باید «زنبورهای ملکه» یعنی مبلغان خشونت را که به «زنبورهای کارگر» دستور صادر می‌کنند، و آن‌ها را به خشونت تشویق می‌کنند، هدف قرار دهیم نه زنبورهای کارگر را. اگر زنبورهای ملکه را رام نکنیم، جنگ علیه ترور پایان نخواهد یافت و اسلام‌گرایی خشونت‌بار عمیق‌تر از پیش در جوامع ریشه خواهد دواند.



عفو بین‌الملل نامه سازمان ملل درباره اعدام‌های ۶۷ را یک «دستاورد بزرگ» خواند



۱۳۶۷، همچنان در حال ارتکاب جرم «ناپدیدسازی قهری» در ابعاد گسترده و سازمان‌یافته هستند که به منزله‌ی «جنایت علیه بشریت» به شمار می‌رود. تا به امروز، تعداد دقیق کشته‌شدگان نامعلوم مانده است اما، بنا به برآوردهای تخمینی سازمان‌های حقوق بشری و سیاسی، این تعداد به حدود ۵ هزار نفر می‌رسد. جمهوری اسلامی می‌گوید اعدامیان «محراب» و «مرتد» بودند. تا کنون برخی مقامات این کشور درباره دلایل اعدام زندانیان منتسب به سازمان مجاهدین خلق صحبت کرده‌اند. اما درباره دلایل اعدام زندانیان گروه‌های چپ هیچ اظهار نظری نشده است. مصطفی پورمحمدی، ابراهیم ریسی، مرتضی اشراقی و حسینعلی نیری از جمله مقام‌هایی بودند که درباره اعدام زندانیان تصمیم گرفتند. آقای ریسی در حال حاضر ریاست قوه قضائیه ایران را بر عهده دارد.

یکمین سالگرد کشتار هزاران مخالفان سیاسی در اعتراض به آنچه سکوت بین‌المللی در این مورد می‌دانست نوشته بود که «دنیا چشم خود را به روی بحران گسترده ناپدیدسازی‌های قهری در ایران بسته است.» این سازمان در جریان آن سالگرد گزارش نهایه خود را - که پس از دو سال تحقیق درباره کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ تهیه شده بود - برای اولین بار به فارسی منتشر کرد. عفو بین‌الملل در آن گزارش ۳۰۰ صفحه‌ای که نسخه انگلیسی آن دسامبر سال ۲۰۱۸ منتشر شده بود، نوشت: «مرگ هزاران قربانی هنوز به ثبت نرسیده است و هزاران جنازه ناپدیدشده در گورهای جمعی بی‌نشان، در نقاط مختلف کشور، دفن شده است.» این سازمان تصریح کرد که «مقام‌ها و مسئولان ایرانی، با ادامه دادن به پنهان‌کاری سازمان‌یافته در مورد سرنویشت و محل دفن قربانیان اعدام‌های محرمانه و فراقضایی در سال

کرد که حاوی این پیام است که دیگر نمی‌توان از توضیح در مورد آن اعدام‌ها «طفره رفت یا آن را بدون مجازات گذاشت.» عفو بین‌الملل، که در گزارشی در سال ۲۰۱۸ آن اعدام را جنایت علیه بشریت خوانده بود، از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌خواهد سازوکاری بین‌المللی برای تحقیق درباره آن ایجاد کند. آن اعدام‌ها با فتوای آیت‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، آغاز شد و تمام تابستان و پاییز آن سال در سراسر زندان‌های ایران اجرا شد. به گواه زندانیان سیاسی سابق که از آن اعدام‌ها جان به در برده‌اند، اکثر هم‌بندیان آنها که اعدام شدند افرادی بودند که در حال گذراندن دوران محکومیت بوده یا محکومیتشان تمام شده بود و حاضر به امضای «انزجارنامه» نبودند. بسیاری از بازداشت‌شدگان در دهه ۶۰ جوانانی در دهه ۲۰ زندگی خود بودند که به گفته خود زندانیان عمدتاً به دلیل «داشتن اعلامیه و نه فعالیت مسلحانه بازداشت شده بودند» و در تابستان ۶۷ در حال گذراندن محکومیت خود بودند. دقیقاً مشخص نیست چه تعداد از زندانیان هوادار سازمان مجاهدین خلق و یا هواداران طیف‌های مختلف چپ در تابستان ۶۷ اعدام شدند. بر اساس روایت بازماندگان، متهمان در جلسه‌هایی سریع و بدون تشریفات قضایی معمول و برخی بدون آنکه بدانند چه سرنویشتی در انتظارشان است به اعدام محکوم و مخفیانه اعدام شدند. مقام‌ها و مسئولان ایرانی جنازه‌ی هیچ‌یک از قربانیان کشتارهای فراقضایی سال ۱۳۶۷ را به خانواده‌هایشان تحویل نداده و به علاوه، در تلاش برای محو کردن هر نشانی از قربانیان، محل دفن اجساد را هم به اکثر خانواده‌ها اطلاع نداده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل شهریور ماه سال ۱۳۹۸ در سی و

اطلاعات روز: سازمان عفو بین‌الملل روز سه‌شنبه نامه چند ماه پیش کارشناسان سازمان ملل به دولت ایران که در آن خواستار پاسخگویی درباره اعدام گسترده زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ شدند را یک «دستاورد بزرگ» توصیف کرده است. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، کارشناسان سازمان ملل در نامه ماه سپتامبر خود هشدار داده بودند که آن کشتارها می‌تواند به مثابه جنایت علیه بشریت باشد. گروه‌های حقوق بشر از جمله عفو بین‌الملل از دیرباز خواستار مجازات مسببان اعدام‌های «فراقضایی» هزاران زندانی عمدتاً جوان در سال ۶۷ در سراسر ایران بوده‌اند؛ اعدام‌هایی که درست بعد از پایان جنگ ایران و عراق انجام شد. عفو بین‌الملل ایران را به پنهانکاری «نظام‌مند» شرایط حاکم بر آن اعدام‌ها و محل دفن اجساد متهم می‌کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه دفتر سازمان ملل در ژنو محتویات این نامه که اکنون علنی شده را تایید کرده است. هفت گزارشگر ویژه سازمان ملل در ماه سپتامبر به طور خصوصی در نامه‌ای به دولت ایران «نگرانی جدی خود از آنچه تصور می‌شود ادامه خودداری از افشای سرنویشت و محل دفن کشته‌شدگان است» را تصریح کردند. آنها خواستار تحقیقات «جامع» و «مستقل» درباره اعدام‌ها شدند و از مقام‌ها خواستند برای خانواده‌های قربانیان «گواهی دقیق فوت» صادر کنند. کارشناسان سازمان ملل گفتند «ما نگرانیم که این وضعیت ممکن است به مثابه جنایت علیه بشریت» باشد و اخطار دادند که اگر ایران «به خودداری از حفظ تعهداتش» ادامه دهد، در آن صورت باید تحقیقاتی بین‌المللی برای روشن شدن همه زوایای آن آنچه روی داده انجام شود. دایانا الطحاوی، معاون عفو بین‌الملل در امور خاورمیانه و شمال آفریقا، این نامه را یک «دستاورد بزرگ» توصیف

دبیرکل سازمان ملل:

موشک‌هایی منطبق با موشک دهلاویه ایران در لیبی دیده شده است

یک سال پیش، منتشر شده و این سلاح‌ها مورد استفاده شبه‌نظامیان مرتبط به ارتش ملی لیبی به رهبری خلیفه حفتر بوده است. نیروهای خلیفه حفتر با نیروهای دولت وفاق ملی لیبی، که از طرف جامعه جهانی به عنوان دولت قانونی در این کشور شناخته شده، در نبرد هستند. البته دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش به شورای امنیت هم‌چنین گفته که بر اساس تحلیل تصاویر، به نظر نمی‌رسد ۴۷۶ هزار فشنگ ۷۶۲ میلیمتری که نیروهای استرالیایی در ماه ژوئن سال گذشته میلادی در آب‌های بین‌المللی خلیج عمان توقیف کردند، تولید ایران بوده باشد. لیبی از سال ۲۰۱۱ تحت تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل متحد بوده است و گروهی از کارشناسان مستقل، درباره اعمال آن تحریم‌ها به شورای امنیت گزارش می‌دهد.

می‌دهد، مطرح کرده است. شورای امنیت در سال ۲۰۰۷ تحریمی وضع کرد که صادرات سلاح از ایران را ممنوع کرده است. بر اساس توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ میان تهران و قدرت‌های اصلی جهانی که در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت آمده است، محدودیت‌های تسلیحاتی در اکتبر سال جاری برداشته شد. اسرائیل چند ماه پیش ایران را به نقض این تحریم‌ها متهم کرده و در ماه مه، بیش از شش ماه پیش، تصاویری از موشک‌های هدایت‌شونده ضد تانک در لیبی را به دبیرکل سازمان ملل ارائه داد. چند هفته بعد ایران در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، ادعاهای اسرائیل را رد کرد و آنها را «کاملاً بی‌اساس» خواند. اسرائیل گفته این عکس‌ها در ماه نوامبر سال گذشته،



اطلاعات روز: دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارشی به شورای امنیت گفته است که بررسی‌های سازمان ملل از تصاویر چهار موشک هدایت‌شونده ضد تانک در لیبی نشان می‌دهد که یکی از آنها «مشخصات منطبق با موشک دهلاویه تولید ایران دارد هرچند تاریخ تولید آنها در تصاویر معلوم نیست». با این حال آنتونیو گوترش در گزارش دوره‌ای‌اش که در ساعات پایانی روز دوشنبه به شورای امنیت تسلیم شده، گفته است «نتوانسته تایید کند که آیا این موشک هدایت‌شونده ضد تانک با نقض تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران به لیبی منتقل شده باشد.» به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، دبیرکل سازمان ملل متحد این مورد را در گزارش دوره‌ای‌اش درباره اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ که هر شش ماه یک بار به شورای امنیت ارائه

قول بایدن برای واکسیناسیون ۱۰۰ میلیون نفر در صد روز اول

بیوان‌تک ۹۵ درصد ایمنی ایجاد می‌کند؛ نتیجه‌ای که راه را برای صدور مجوز استفاده اضطراری از این واکسن هموار می‌کند. این سازمان گفت که در مورد ایمنی این واکسن متوجه هیچ مشکلی نشده است. بریتانیا از روز سه‌شنبه تزریق این واکسن در سطح عمومی را شروع کرد. اف‌دی‌ای روز پنجشنبه برای اعلام تصمیم رسمی خود جلسه خواهد داشت. جزئیات مربوط به واکسن فایزر که اف‌دی‌ای منتشر کرده نشان می‌دهد که واکسن کووید-۱۹ در ۹۵ درصد دریافت‌کنندگان مصونیت ایجاد می‌کند که همان نتایجی است که شرکت فایزر منتشر کرده بود. هرچند برای حفاظت کامل باید دو دوز از آن تزریق شود، اما تزریق اول موارد شدید بیماری را ۸۹ درصد کم کرد. این واکسن همچنین در کسانی که قبلاً مبتلا شده بودند همین اندازه مصونیت ایجاد کرد.

او گفت که «صد روز اول می‌تواند مسیر بیماری را عوض کند و زندگی مردم در آمریکا را بهتر کند.» اما او اخطار داد که اگر کنگره مذاکرات فراجراحی برای ارائه بسته مشوق‌های اقتصادی را به نتیجه نرساند تلاش‌ها برای مهار کرونا می‌تواند «کند و متوقف» شود. او گفت بازگشت دانش‌آموزان به مدارس اولویت اصلی او خواهد بود. همزمان آقای ترمپ در نشست کاخ سفید گفت: «گفته می‌شود که این (واکسن فایزر) چیزی مثل یک معجزه است و فکر می‌کنم همین‌طور است.» او افزود: «هر کسی در آمریکا بخواهد می‌تواند این واکسن را بزند و فکر می‌کنم تا بهار به موقعیتی برسیم که تا چند ماه پیش کسی حتی تصورش را نمی‌کرد.» دولت ترمپ امیدوار است تا ۲۴ میلیون نفر را تا اواسط ژانویه واکسینه کند. سازمان مواد دارویی و غذایی آمریکا، اف‌دی‌ای، روز سه‌شنبه تایید کرد که واکسن کووید-۱۹ شرکت فایزر/

میلیون نفر در آمریکا به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند و ۲۸۵ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند که آمریکا را در صدر جهان قرار می‌دهد. بسیاری از بخش‌های این کشور شاهد به اوج رسیدن شیوع هستند و موارد بستری شدن در بیمارستان رکورد گذاشته است. کارشناسان این روند را به مسافرت‌های گسترده در طول تعطیلات شکرگزاری نسبت می‌دهند. بایدن چه گفت؟ آقای بایدن در یک کنفرانس خبری در ایالت دلاور دادستان کل کالیفرنیا خاویر باسرا را به عنوان نامزد هدایت وزارت بهداشت و روشل والنسکی را به عنوان نامزد سکانداری مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها معرفی کرد. او گفت: «صد روز اول ریاست‌جمهوری من به ویروس کرونا پایان نمی‌دهد. نمی‌توانم قولش را بدهم. اما وضعیت نابسامان کنونی یک شبه ایجاد نشده و یک شبه هم از آن خارج نخواهیم شد.»

اطلاعات روز: جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، می‌گوید هدف او واکسیناسیون ۱۰۰ میلیون نفر برای مقابله با ویروس کرونا در ۱۰۰ روز نخست ریاست‌جمهوری است. آقای بایدن گفت که دولت او نمی‌تواند در ماه‌های نخست به همه‌گیری پایان دهد اما می‌تواند مسیر آن را عوض کند و اوضاع را بهتر کند. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، آقای بایدن که ۲۰ ژانویه به قدرت می‌رسد هنگام معرفی تیم بهداشتی خود تاکید کرد که از آمریکایی‌ها خواهد خواست «برای صد روز ماسک بزنند.» روز سه‌شنبه گزارش سازمان محصولات دارویی و غذایی آمریکا، اف‌دی‌ای، راه را برای صدور مجوز برای واکسن کرونی شرکت فایزر/بیوان‌تک هموار کرد. همزمان دونالد ترمپ رئیس‌جمهور آمریکا در نشست در کاخ سفید از فرآیند تایید این واکسن که انتظار آن می‌رود تمجید کرد. براساس تحقیق دانشگاه جانز هاپکینز تاکنون بیش از ۱۵

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

zaki.daryabi2@gmail.com

۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی

سردبیر آنلاین: الباس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهربار

صفحه‌آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

دایرکتوری: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

آدرس: کابل، کارته‌سه

جامعه هنوز اندک است، اما نسبت به گذشته برای زنان یک دست‌آورد مهم تلقی می‌شود. به‌رغم تبلیغات طالبان و برخی رسانه‌ها و افراد حامی آنان که بر این عقیده‌اند گروه طالبان تغییر کرده‌اند و واقعیت‌های جدید جامعه افغانستان را درک می‌کنند، اما در دیدگاه‌های طالبان نسبت به زنان تغییر چندانی به‌وجود نیامده است. این که در تیم مذاکره‌کننده این گروه در دوحه هیچ زنی مشاهده نمی‌شود، تأییدی بر این مدعاست. زمانی که سخن‌گویان این گروه از نقش زنان و جایگاه آنان در نظام سیاسی آینده طالبان صحبت می‌کنند، آن‌ها حضور زنان را مشروط به حدود شریعت و اسلام می‌کنند. شریعت و اسلامی که طالب از آن سخن می‌گوید، نگاه فرودستانه نسبت به زنان دارد که همراه با محدودیت، تبعیض و اقتدارگرایانه است. با توجه به این که بحث اصلی روی میز مذاکره آینده وضعیت حقوق بشر نه، بلکه تقسیم قدرت است، بنابراین زنان حق دارند که نگران وضعیت و سرنوشت خود باشند. در ساختار مردسالارانه جامعه افغانستان، منابع و فرصت‌های زنان برای کنش‌گری و دیده‌شدن محدود است و در طول جنگ‌های داخلی و بعد از آن، آن‌ها همواره قربانی بخشی از خشونت اعمال‌شده توسط گروه‌های درگیر در منازعه بوده‌اند.

زنان افغان و جامعه‌ی پساصلح

قانون اساسی افغانستان زن و مرد را دارای حقوق و جایب مساوی می‌داند و بر سهم و مشارکت زنان در تمام عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کند، اما مواد این قانون در مورد حقوق زنان به‌دلیل باورهای غلط فرهنگی، ساختار مردسالارانه جامعه و نبود اراده سیاسی تطبیق نمی‌شود. در افغانستان بازی‌گران سنتی جنگ و صلح و مولدان سنتی منازعه، نقش اساسی در به حاشیه‌راندن زنان و نسل جدید افغانستان در ساختن جامعه‌ی پساصلح دارند. به‌عنوان مثال زنان و جوانان که نماینده نسل جدید افغانستانند، هیچ فرصتی برای دیده‌شدن در اولین نشست کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی در اختیارشان قرار نگرفت. تنها بازی‌گران سنتی جنگ بودند که برای دیگری، صلح و جنگ را تعریف می‌کردند. بیش از چند دهه است که این بازی‌گران، مهم‌ترین عامل ایجاد ترس و خشونت در جامعه بوده‌اند و اکنون خود را بیش از هر کسی مستحق این می‌دانند که در مورد آینده این کشور و ساختار جدید آن تصمیم بگیرند. اما واقعیت این است که جامعه افغانستان تغییر کرده است و از انحصار مطلق این بازی‌گران سنتی خارج شده است. زمان آن فرا رسیده است که برای سایر گروه‌های اجتماعی به‌خصوص زنان، فرصت برابر برای مشارکت و تصمیم‌گیری ایجاد شود. از برآیند چنین رویکردی ما به‌گفتگویی‌های بخش در یک جامعه پساصلح می‌رسیم. گفتگویی که هیچ‌کس در آن استثنا نیست.



چشم‌انداز زنان از صلح

جنسیت ضامن سلامت و پایداری صلح

حسین‌علی کریمی

دوره حاکمیت سیاه و تاریک طالبان و رنج زنان در این دوره می‌پردازد.

هم خالد حسینی و هم صدیق برمک هر دو به صورت شجاعانه و واقع‌گرایانه‌ای به بخشی از تاریخ زندگی مردم افغانستان در دوره سیاه طالبان می‌پردازند. دوره‌ای که زنان در پستی خانه‌ها و کنج اتاق‌ها تبعید شده بودند. پرسش این است که چه کسی به‌جز گروه طالبان در افغانستان، رویای بازگشت به این دوره تاریک و سیاه را دارد؟ آیا مردم به‌خصوص زنان افغان می‌خواهند به این دوره تیره و تاریک بازگردند؟ با توجه به ایجاد کمپین‌های مختلف حقوق بشری و حقوق زنان برای نادیده‌نگرفتن حقوق زنان در مذاکرات صلح دوحه، پاسخ روشن است. هیچ‌کس حاضر نیست به تاریک‌ترین دوره این سرزمین بازگردد.

از زمان حاکمیت طالبان نزدیک به دو دهه سپری شده است. به واسطه گشایش فضاهای سیاسی و اجتماعی و پالیسی‌های تبعیض مثبت برای زنان، آن‌ها از فرصت‌های بیشتری نسبت به گذشته برای دیده‌شدن برخوردار شدند. هرچند این فرصت‌ها با توجه به نقش و اهمیت آنان در

در دوره تاریکی از این سرزمین می‌پردازد، بلکه به رنج زن بودن در این جامعه نیز می‌پردازد. فیلم با صحنه‌هایی از تظاهرات زنان شروع می‌شود که پلاکاردهایی چون «ما بیوه هستیم»، «ما سیاسی نیستیم» و «ما کار می‌خواهیم» را با خود حمل می‌کنند. صدیق برمک شجاعانه واقعیت‌های تلخ جامعه دوران طالبان و به‌خصوص وضعیت زنان در این دوره را به تصویر می‌کشد. بسیاری از زنان افغان تصویرهای وحشتناکی از زندگی در دوره حاکمیت طالبان در ذهن دارند. زخم ناشی از ترومای حاصل از زندگی در دوره طالبان هنوز روح و جسم بسیاری از زنان می‌فشارد.

خالد حسینی نیز روایت مشابه‌ای از وضعیت زنان افغان ترسیم می‌کند. «مریم» و «لیلا» به‌عنوان نماد زنان افغان در «هزار خورشید تابان» تصویری از عشق، فداکاری، رنج و حقارت زنان افغان است. هزار خورشید تابان قصه تلخکامی‌ها، آرزوها و مشکلات زنان افغان است. «هزار خورشید تابان» روایتی است از کوشش زنان افغان برای به‌دست‌آوردن حقوق اولیه و انسانی‌شان در فضای وحشت‌آفرین جنگ و صلح. بخشی زیادی از این کتاب به

وقتی صحبت از فراگیربودن صلح است، مشارکت همه اقشار و گروه‌های اجتماعی و سیاسی به‌خصوص زنان در آن مدنظر است. زنان بخش مهمی از این فرایند هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. این توجه هم اخلاقی است و هم الزام‌آور؛ چرا که به‌وجودآمدن یک صلح پایدار به‌واسطه مشارکت حداکثری زنان تحقق می‌یابد. با آن که زنان در طول جنگ و پس از آن یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی بوده‌اند که بیشترین آسیب‌های فیزیکی و روانی را از جنگ دیده‌اند اما در اکثر گفت‌وگوهای صلح و تصمیم‌گیری برای حل بحران در جوامع پسامنازعه جای آنان خالی بوده است. افغانستان نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. در تلاش‌ها و تحولات چند دهه اخیر افغانستان در راستای صلح‌سازی، زنان غایب بزرگ این رویدادها بوده‌اند. در مواردی نیز حضور آنان عمدتاً ابزاری و سمبولیک و در مورد اخیر (گفت‌وگوهای بین‌الافغانی در دوحه) حضور آنان بیشتر تحت فشار جامعه بین‌المللی، گروه‌های اجتماعی و به‌دنبال استراتژی تکثر دولت در میز مذاکره بوده است.

دو دهه از تصویب قطع‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت می‌گذرد. سندی تاریخی که با هدف احترام به حقوق زنان و دختران برای احیای نقش زنان در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی در راستای تأمین صلح و محافظت از آنان تأکید می‌کند. این سند با هدف واردساختن موضوع جنسیت از چند منظر، زنان را مورد توجه قرار داده است؛ حقوق زنان به‌عنوان غیرنظامیان و قربانیان جنگ باید مورد توجه طرف‌های درگیر در جنگ قرار گیرند. به نقش و عاملیت زنان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با صلح و پایان منازعه توجه نشان داده شود. به نقش و مشارکت زنان در سطوح تصمیم‌گیری در نهادها و سازکارهای ملی، منطقهای و بین‌المللی برای جلوگیری، مدیریت و حل و فصل مناقشات تمرکز نشان داده شود. تدابیری سنجیده شود که در تمام برنامه‌های صلح و فرایندها و سازوکارهای اجرایی موافقت‌نامه‌های صلح، زنان دخیل باشند.

مفاد قطع‌نامه ۱۳۲۵ سازمان ملل نشان می‌دهد، صلح در دوران جدید به نسبت مفهوم آن در گذشته، محتوای آن گسترده‌تر و عمیق‌تر شده و ساحات بیشتری از زندگی و حقوق بشر، به‌خصوص زنان را در بر می‌گیرد. در مفهوم تازه صلح، جنسیت نقش به‌سزایی دارد. نگاه جنسیتی به صلح به‌عنوان رویکردی حداکثری شناخته می‌شود که ضامن سلامت و پایداری صلح به‌شمار می‌رود.

زنان افغان و زندگی در تاریک‌ترین دوره تاریخ

«اسامه» به کارگردانی صدیق برمک (۲۰۰۳) روایت‌گر رنج و درد زنان افغان در دوره سیاه و تاریک طالبان است. اسامه تصویری نمادین از وضعیت زنان و دختران افغان در یکی از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ این کشور است. فیلم داستان دختری است با نام پسرانه‌ی اسامه در دوران حاکمیت رژیم طالبان. اسامه نه‌تنها به رنج زنان و دختران

 <p>دکترهنی، اوبولگولواو مالداري وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري</p>	 <p>د افغانستان اسلامي جمهوري دولت دولت جمهوري اسلامي افغانستان</p>
<p>معینت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات بخش پروژه های بانک جهانی</p>	<p>معینت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات بخش پروژه های بانک جهانی</p>
<p>جمهوری اسلامی افغانستان وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه اضطراری زراعتی و مصونیت غذایی پروجکت نمبر P174748 گرنٹ نمبر: TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF اسم پروژه: پروژه شبکه آبیاری سلتوغ ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ نمبر پکیج: AF/MAIL/EAT-M059-CW-RFB درخواست برای داوطلبی (RFB) (تصیح داوطلبی به روش باز ملی)</p>	<p>جمهوری اسلامی افغانستان وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه اضطراری زراعتی و مصونیت غذایی پروجکت نمبر P174748 گرنٹ نمبر: TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF اسم پروژه: پروژه شبکه آبیاری جومینه قریه سیدخیل ولسوالی احمد آبا ولایت پکتیا نمبر پکیج: AF/MAIL/EAT-K094-CW-RFB درخواست برای داوطلبی (RFB) (تصیح داوطلبی به روش باز ملی)</p>
<p>قبلا پروژه اضطراری زراعتی و مصونیت غذایی، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه شبکه آبیاری سلتوغ ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ، نمبرپکیج قرارداد: AF/MAIL/EAT-M059-CW-RFB را به داوطلبی سپرده که قرار بود جلسه آفرگشایی بتاريخ ۱۷-دیسمبر - ۲۰۲۰ ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر در ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در ادريس ذیل دایر میگردد (اما در ساعت اعلان پروژه تصیح نظر به شرطنامه و اعلان انگلیسی قرار ذیل وارد گردیده است).</p> <p>جلسه آفرگشایی بتاريخ ۱۷-دیسمبر - ۲۰۲۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در ادريس ذیل دایر میگردد</p> <p>آدرس: ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري بخش پروژه های بانک جهانی واقع جمال مینه، چهاراهی کارتی سخی، کابل - افغانستان.</p>	<p>قبلا پروژه اضطراری زراعتی و مصونیت غذایی، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه شبکه آبیاری جومینه قریه سیدخیل ولسوالی احمد آبا ولایت پکتیا، نمبرپکیج قرارداد: AF/MAIL/EAT-K094-CW-RFB را به داوطلبی سپرده که قرار بود جلسه آفرگشایی بتاريخ ۱۶-دیسمبر - ۲۰۲۰ ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر در ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري برگزارگرد، (اما در ساعت اعلان پروژه تصیح نظر به شرطنامه و اعلان انگلیسی قرار ذیل وارد گردیده است).</p> <p>جلسه آفرگشایی بتاريخ ۱۶-دیسمبر - ۲۰۲۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در ادريس ذیل دایر میگردد.</p> <p>آدرس: ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري بخش پروژه های بانک جهانی واقع جمال مینه، چهاراهی کارتی سخی، کابل - افغانستان. تمام محتویات شرطنامه و اعلان انگلیسی قابل تغییر نمیشد.</p>

 <p>دکترهنی، اوبولگولواو مالداري وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري</p>	 <p>د افغانستان اسلامي جمهوري دولت دولت جمهوري اسلامي افغانستان</p>
<p>معینت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات بخش پروژه های بانک جهانی</p>	<p>معینت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات بخش پروژه های بانک جهانی</p>
<p>جمهوری اسلامی افغانستان وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه اضطراری زراعتی و مصونیت غذایی پروجکت نمبر P174748 گرنٹ نمبر: TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF اسم پروژه: پروژه شبکه آبیاری جومینه قریه سیدخیل ولسوالی احمد آبا ولایت پکتیا نمبر پکیج: AF/MAIL/EAT-K094-CW-RFB درخواست برای داوطلبی (RFB) (تصیح داوطلبی به روش باز ملی)</p>	<p>جمهوری اسلامی افغانستان وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه اضطراری زراعتی و مصونیت غذایی پروجکت نمبر P174748 گرنٹ نمبر: TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF اسم پروژه: پروژه شبکه آبیاری جومینه قریه سیدخیل ولسوالی احمد آبا ولایت پکتیا نمبر پکیج: AF/MAIL/EAT-K094-CW-RFB درخواست برای داوطلبی (RFB) (تصیح داوطلبی به روش باز ملی)</p>
<p>قبلا پروژه اضطراری زراعتی و مصونیت غذایی، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه شبکه آبیاری جومینه قریه سیدخیل ولسوالی احمد آبا ولایت پکتیا، نمبرپکیج قرارداد: AF/MAIL/EAT-K094-CW-RFB را به داوطلبی سپرده که قرار بود جلسه آفرگشایی بتاريخ ۱۶-دیسمبر - ۲۰۲۰ ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر در ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري برگزارگرد، (اما در ساعت اعلان پروژه تصیح نظر به شرطنامه و اعلان انگلیسی قرار ذیل وارد گردیده است).</p> <p>جلسه آفرگشایی بتاريخ ۱۶-دیسمبر - ۲۰۲۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در ادريس ذیل دایر میگردد.</p> <p>آدرس: ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري بخش پروژه های بانک جهانی واقع جمال مینه، چهاراهی کارتی سخی، کابل - افغانستان. تمام محتویات شرطنامه و اعلان انگلیسی قابل تغییر نمیشد.</p>	<p>قبلا پروژه اضطراری زراعتی و مصونیت غذایی، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه شبکه آبیاری جومینه قریه سیدخیل ولسوالی احمد آبا ولایت پکتیا، نمبرپکیج قرارداد: AF/MAIL/EAT-K094-CW-RFB را به داوطلبی سپرده که قرار بود جلسه آفرگشایی بتاريخ ۱۶-دیسمبر - ۲۰۲۰ ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر در ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري برگزارگرد، (اما در ساعت اعلان پروژه تصیح نظر به شرطنامه و اعلان انگلیسی قرار ذیل وارد گردیده است).</p> <p>جلسه آفرگشایی بتاريخ ۱۶-دیسمبر - ۲۰۲۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در ادريس ذیل دایر میگردد.</p> <p>آدرس: ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري بخش پروژه های بانک جهانی واقع جمال مینه، چهاراهی کارتی سخی، کابل - افغانستان. تمام محتویات شرطنامه و اعلان انگلیسی قابل تغییر نمیشد.</p>

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		قیمت: ۲۰ افغانی
6 Months	120\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه	
Annual	200\$ USD	۷۰۰۰ افغانی	یک ساله	

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

تغییر کاربری مسجد از نیایشگاه به آموزشگاه شدنی است؟



علی امیری سیستم آموزشی دولت پساتالبان را با سیستم آموزشی قبل از آن به‌ویژه نظام شاهی افغانستان مقایسه می‌کند و می‌گوید که سیستم آموزشی فعلی مذهبی‌ترین سیستم آموزشی است. او می‌افزاید که وزارت معارف از تحولات نصاب آموزشی کشور اطلاعی ندارد و با طرح‌های «عوام‌فریبانه» می‌خواهد مردم را خوشحال کند.

عبار شایگان
گزارشگر

طرح جدید وزارت معارف کشور مبنی بر آموزش دانش‌آموزان صنف اول تا سوم در مسجد، واکنش‌های گسترده‌ای به دنبال داشته است. هرچند این وزارت بعداً اعلام کرد که این طرح فقط در مناطقی قابل اجرا است که کودکان دسترسی به مکتب ندارند، اما این نسخه تعدیل‌شده هم برای منتقدان این طرح، قابل قبول نیست. آن‌ها استدلال می‌کنند که هیچ‌گاه مسجد، مکتب نمی‌شود.

این وزارت تا حالا آمار یا برآوردی از شمار دانش‌آموزانی که دسترسی به مکتب ندارند و قرار است در مسجد درس بخوانند ندارد. همین طور آماری از تعداد مکتب‌های که تعمیر ندارد و قرار است به‌جای آن از مسجد استفاده شود، هم ارائه نمی‌دهد. نجیبه آرین، سخن‌گوی این وزارت می‌گوید که به‌طور کلی بیش از ۴۰ درصد مکتب بدون تعمیر است. براساس آمار این وزارت حدود ۱۸ هزار و ۵۰۰ باب مکتب در سراسر کشور موجود است.

با توجه به آمار کلی مکتب‌هایی که بدون تعمیر است، تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان شامل طرح آموزش در مسجد می‌شوند. آیا مسجد می‌تواند بدیل مناسبی مکتب باشد؟ در صورت اجرای این طرح، چه پیامدهایی به دنبال خواهد داشت؟ آیا محتوا و آموزه‌های اسلامی در نظام آموزشی کشور کم‌رنگ است و در حاشیه قرار دارد؟ این پرسش‌ها را با شماری از استادان دانشگاه و کارشناسان آموزش و پرورش در میان گذاشته‌ایم.

علی امیری، نویسنده و استاد دانشگاه می‌گوید که مکتب یک سازمان اداری است که کار آموزشی را انجام می‌دهد و از این لحاظ مسجد قابلیت تغییر به نهاد اداری را ندارد. او معتقد است که این طرح وزارت معارف غیرکارشناسانه، غیردقیق و

می‌کند و می‌گوید که سیستم آموزشی فعلی مذهبی‌ترین سیستم آموزشی است. او می‌افزاید که وزارت معارف از تحولات نصاب آموزشی کشور اطلاعی ندارد و با طرح‌های «عوام‌فریبانه» می‌خواهد مردم را خوشحال کند. این استاد دانشگاه می‌گوید که تصمیم وزارت معارف، تصمیم سیاسی و کارشناسی‌نشده است. به باور او دولت افغانستان از لحاظ دینی و مذهبی در مقابل گروه طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی احساس ضعف می‌کند و «فکر می‌کند که وقتی روی همه چیز نام اسلام را بگذارد مشکل حل می‌شود».

نجیبه آرین، سخن‌گوی وزارت معارف در گفت‌وگو با اطلاعات روز برخلاف اعلامیه چند روز قبل این وزارت، می‌گوید که از نظر آن‌ها محتوای اسلامی در نصاب آموزشی کم‌رنگ و در حاشیه نیست. او می‌افزاید که ارزش‌های اسلامی نزد وزارت معارف ارجحیت دارد و این وزارت مصمم به حفظ آن است. به گفته‌ی او مسأله در حاشیه قرار دادن آموزش‌های اسلامی زمانی دامن زده شده که این وزارت با تغییر ساختاری، معینیت آموزش‌های اسلامی را به ریاست آموزش‌های اسلامی تغییر داده است: «دیدگاهی وجود داشت که گویا وقتی ما معینیت تعلیمات اسلامی را به ریاست تبدیل کردیم، ارزش‌های اسلامی در حاشیه قرار می‌گیرد، ولی چنین نیست. این موضوع برمی‌گردد به ریاست تعلیمات اسلامی که ما تلاش داریم آن را از لحاظ تجهیزات، بست‌های معلمان، ایجاد مدارس و دارالعلوم و دارالاحفاظها تقویت کنیم».

به‌عنوان مکان آموزشی استفاده کند.

آیا دین اسلام در حاشیه نظام آموزشی است؟

وزارت معارف کشور در اعلامیه خود گفته بود که محتوای اسلامی در حاشیه نظام آموزشی کشور قرار دارد و برای به متن آوردن آن، مسجدها را شامل سیستم آموزشی می‌کند. این وزارت برای اجرای این طرح دو گزینه را قابل اجرا دانسته بود. دانش‌آموزان صنف‌های پایه (اول تا سوم) در مسجد محل‌شان آموزش خواهند دید و با تغییر ساختاری وزارتخانه‌ی معارف، بخش آموزش‌های عمومی زیرمجموعه آموزش‌های اسلامی قرار خواهد گرفت. علی‌رضا اخلاقی، استاد دانشگاه معتقد است که در نظام آموزشی افغانستان به دینیات بی‌توجهی نشده و آموزه‌های اسلامی به اندازه‌ای که لازم است در کتاب‌های درسی بازتاب یافته است. او استدلال می‌کند در صورتی که وزارت معارف ضعیف‌بودن و در حاشیه‌بودن علوم دینی را بهانه قرار دهد، همه رشته‌ها در افغانستان ضعیف بوده و دانش‌آموزان با علوم ساینسی هم به اندازه کافی آشنایی ندارند.

به باور رامین کمانگر به اندازه‌ای که آموزش و پرورش مدرن اجازه می‌دهد، آموزه‌های اسلامی در نصاب آموزشی افغانستان در مضمون‌های متعدد و در سطوح مختلف وجود دارد. علی امیری سیستم آموزشی دولت پساتالبان را با سیستم آموزشی قبل از آن به‌ویژه نظام شاهی افغانستان مقایسه

مدیریت است یا نه. «با چنین رویکرد خانه معارف را هم خراب می‌کند و آبروی مسجد را هم می‌برد. نه مسجد می‌شود و نه مدرسه. شما نمی‌توانید مسجد را به یک نهاد اداری تبدیل کنید و بخشی از اداره دولت باشد. اگر قرار باشد که شما مسجد را تبدیل به مدرسه کنید، دیگر آن مسجد نیست و عبادت نمی‌شود. مکتب از لحاظ آموزشی طوری ساخته شده که مسجد آن امکانات را ندارد. از لحاظ آموزشی و تعلیم و تربیه این طرح فقط ضیاع وقت کودکان است.»

رامین کمانگر، نویسنده و پژوهشگر معتقد است که استفاده از مسجد به‌عنوان مکتب می‌تواند بسیار چالش‌برانگیز باشد. به باور او مسجد کارکرد مشخص دینی-اجتماعی دارد و از لحاظ جایگاه و قدمت تاریخی به اندازه‌ای تأثیرگذار است که برخلاف مساجد در سیستم آموزشی، سیستم آموزشی در مساجد منحل می‌شود و در نتیجه نظام آموزش و پرورش از مسیرش منحرف می‌شود. آقای کمانگر با طرح این مسأله می‌گوید در صورتی که توجه اصلی استفاده از مسجد به‌عنوان مکتب، نبود تعمیر مکتب باشد، تکلیف دانش‌آموزان بعد از اتمام صنف سوم چه می‌شود: «تا آن زمان مکتب می‌سازند؟ چه راه حل دارد؟ تکلیف معلوم نیست. بنابراین این طرح برای خود وزارت معارف هم نامعلوم است و طوری که باید، مطالعه و نیازسنجی صورت نگرفته است. برای ارائه هر طرحی باید نیازسنجی و مطالعه بومی و میدانی صورت بگیرد که آیا چنین طرحی اصلاً جوابگو، قابل اجرا و قابل



رامین کمانگر معتقد است که براساس منطق آموزش مدرن، آموزه‌های اسلامی در کتاب‌های درسی وجود دارد و بیش از این مجاز نیست.

شرکت سیاحتی مارک



Our Services:

- National and International E-Ticketing Facility
- Holiday Packages
- Group Discounted Air Fares
- Worldwide Hotel Reservation
- Travel Insurance services
- Hajj Umrah Services
- 7/24 Helpline

خدمات ما:

- تکت های داخلی و خارجی
- بسته های سیاحتی
- تخفیف ویژه برای سفر های گروهی
- ریزرویشن هتل در تمام نقاط جهان
- بیمه سفر
- خدمات حج و عمره
- ۲۴/۷ ساعت خدمات